

مرگ اندیشی از زبان امام علی(ع) در نهج البلاغه و نسبت آن با سلامت معنوی

دکتر محمد علی زکی

دانشیار بازنشسته جامعه شناسی دانشگاه امام حسین(ع)

Mazaki42@yahoo.com

چکیده:

سلامت معنوی به برخورداری از حس پذیرش، احساس مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، دیگران و خود اطلاق می شود که طی فرآیندی پویا و هماهنگ ابعاد گوناگون شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدهای شخصی حاصل می آید. سلامت معنوی به معنا دار شدن زندگی و مرگ می انجامد. مرگ اندیشی یکی از مولفه های شناختی سلامت معنوی شمرده شده است. مرگ، اولین مرحله ی پیشرو پس از زندگی دنیوی انسان است؛ اما اگر شخص در این دنیا به سلامت معنوی قرآنی برسد، مرگ او نیز همراه با نشاط و سلامت بوده، هیچ ترسی از آن نخواهد داشت. مرگ با نشاط، پیامد سلامت معنوی متکی بر پویایی ترسی ارزشی آمیخته با امید به رحمت الهی خواهد بود. نهج البلاغه آثار مختلف مرگ اندیشی را در حیات انسانی بیان کرده است. توجه دادن به مرگ یکی از ویژگی های سلامت معنوی محسوب شده و هم چنین یکی از مولفه های ساحت اعتقادی، اخلاقی، عبادی و تربیتی از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه تعریف شده است. مرگ شناسی یکی از مبانی تعلیم و تربیت در نهج البلاغه است. امام علی(ع) بر لزوم مرگ آگاهی تأکید نموده و می گوشتا انسان ها را از طریق شناخت درست حقیقت مرگ به شناخت خود و به تبع آن، به فهم معنای زندگی رهنمون سازد. دریافت درست از مرگ به فهم معناداری زندگی می انجامد. هدف پژوهش حاضر بررسی مرگ اندیشی امام علی(ع) در نهج البلاغه و هم چنین ساخت و طراحی مدل نهایی خواهد بود. نوع پژوهش «استفاده از منابع موجود» و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شده است. پس از بررسی و مطالعه دقیق هفت منبع و فهرس موضوعی نهج البلاغه در مجموع موضوع مرگ ۸۳ مرتبه در نهج البلاغه به تفکیک در ۳۴ خطبه (۵۳ مرتبه و ۲۲۴ فراز)، ۷ نامه (۱۵ مرتبه و ۱۹ فراز) و ۱۵ حکمت شمارش، شناسایی و نهایی شده اند. اندیشه ورزی امام علی(ع) نسبت به مرگ برگرفته از آموزه های قرآن کریم، رویکردی جامع، روشنگرانه، آینده پژوهی و تحلیل گر بوده است. یافته های پژوهش درباره طراحی و ساخت مدل نهایی مرگ اندیشی امام علی(ع) به تفکیک سه بعد سلامت معنوی، مبتنی بر سه بخش اصلی به ترتیب سنخ شناسی شده اند: ۱) بعد شناختی شامل چیستی و توصیف مرگ (۳۴ مرتبه و ۷۰ ویژگی) و چگونگی حالت مرگ (۷ مورد و ۱۳۸ عبارت)، ۲) بعد عاطفی شامل اهمیت عبرت آموزی و موعظه بودن مرگ (۱۰ مرتبه)، منابع عبرت آموزی مرگ (۵ مورد) و عبرت آموزی و موعظه بودن گذشتگان (۱۶ مرتبه و ۲۰۹ عبارت) و ۳) بعد رفتاری مرگ (۳۵ مرتبه) شامل توصیه های اخلاقی و رفتاری (۱۰ مرتبه)، پیشی گرفتن (مبادرت ورزیدن) بر مرگ به وسیله عمل نمودن (۱۲ مرتبه)، یادآوری وظایف رفتاری (۶ مرتبه)، اطاعت و بندگی خدا و نسبت بین امل و اجل (هر کدام ۵ مرتبه).

واژگان کلیدی: امام علی(ع)، نهج البلاغه، مرگ، سلامت معنوی، تحلیل محتوا

مقدمه:

قرآن کریم پس از ایمان به خدا از ایمان به آخرت سخن می گوید و انکار معاد را عین گمراهی می داند. معاد یکی از ارکان اساسی اصلی اعتقادی و هم چنین موضوع مرگ در ادیان الهی پرداخته شده است و می توان گفت که یکی از ارکان ادیان الهی تبیین فلسفه مرگ است. در قرآن ۱۶۴۱ آیه درباره زندگی پس از مرگ آمده است یعنی ۲۵/۸ درصد از کل آیات قرآن و این موضوع اهمیت مرگ را از دیدگاه قرآن می رساند (طاهرخانی و همکاران، ۱۳۹۷). «باورهای به زندگی اخروی بخشی از سرمایه معنوی در پرتو تعالیم قرآن تلقی می شود. مطابق تعالیم اسلامی، انسان زمانی به درک واقعی از معنای زندگی خواهد رسید که وجود خداوند متعال را درک کند، موقعیت و جایگاه خود در عالم به خوبی بشناسد؛ ارتباط و همبستگی ها انسان با خداوند متعال را درک کند، و سرانجام، به این باور برسد که زندگی انسان به این دنیا محدود نمی شود و پس از مرگ زندگی او همچنان ادامه خواهد داشت و اینکه چگونگی زندگی او پس از مرگ مبتنی بر نوع زندگی وی در این دنیا است» (مرادی، ۱۳۹۴). اعتقاد به معاد به طور عام و مرگ اندیشی به طور خاص که از جمله مهمترین و تأثیر گذار ترین باورهای دینی می باشد، دربردارنده آثار مختلف فردی و اجتماعی و هم چنین آثار سازنده ای در سرنوشت انسان در دنیا و آخرت خواهد داشت. علاوه بر تأثیر در حیات دنیوی آدمی، می تواند نقش مهمی در تقویت مبانی اعتقادی و همچنین تعیین الگوی رفتاری مناسبی برای افراد جامعه ایفا کند. در واقع توجه به این آثار نقش سازنده ای در زیست مومنانه افراد جامعه داشته و زمینه ساز تشکیل جامعه ای مومنانه خواهد بود. «توجه دادن به مرگ و معاد یکی از اصول تربیت معنوی محسوب می شود» (میرعرب، ۱۳۹۲). معادباوری یکی از مولفه های سلامت معنوی در کتب درسی گزارش شده است (محمودی، ۱۴۰۱).

نهج البلاغه، سرشار از آموزه های اسلامی و سخنان حضرت علی (ع) و راه روشن بسیاری از اندیشمندان است. نظام تربیتی در نهج البلاغه دربردارنده چهار ویژگی (جنبه) هدایتی، اجتماعی، عقلانی و معنوی است (سارلی و همکاران، ۱۳۹۶). نهج البلاغه آثار مختلف اعتقاد به معاد و هم چنین مرگ اندیشی را در حیات انسانی بیان کرده است. این باور موجب می شود که آدمی در همه حالات خودش را در محضر الهی بداند. از اینرو پیوسته مراقب گفتار و کردار خویش می باشد. آخرت گرایی به طور عام و مرگ اندیشی به طور خاص یکی از مولفه های ساحت اعتقادی، اخلاقی، عبادی و تربیتی از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه گزارش شده است. (محمودی پویا و همکاران، ۱۳۹۴). مرگ شناسی یکی از مبانی تعلیم و تربیت در نهج البلاغه (رستمی نسب، ۱۳۹۶) و هم چنین یکی از مبانی تربیت در قرآن و نهج البلاغه (علوی، ۱۳۹۷) گزارش شده است. در بررسی به سنخ شناسی چهار دسته آیات توجه شده که بخشی از این بررسی آیات مربوط به موضوع «مرگ رخدادی اجتناب ناپذیر» داشته است. هدف این فصل بررسی جایگاه تربیتی آخرت اندیشی و معادباوری گزارش شده است. «مهمترین روش عام تربیت در سیره و کلام امام علی (ع) یادآوری مرگ و قیامت (جهان پس از آن) است» (صالحی و رضوانخواه، ۱۳۹۶).

«امام علی (ع) بر لزوم مرگ آگاهی و توجه به مرگ تأکید می ورزد و می کوشد تا انسان ها را از طریق شناخت درست حقیقت مرگ به شناخت خود و به تبع آن، به فهم معنای زندگی رهنمون سازد. به تعبیری، مرگ بخشی از زندگی انسان است و هرگونه فهم نادرست از آن، فهم انسان از خویش را تحت تأثیر قرار می دهد؛ در چنین حالتی فرد نمی تواند تلقی درستی از زندگی داشته باشد تا به معناداری یا بی معنایی آن پی ببرد. بنابراین یاد مرگ و دریافت درست از مرگ به فهم معناداری زندگی می انجامد» (طاهری سرتشنیزی و موسوی، ۱۳۹۱). «انسان به هر میزان که اقدام به شناخت واقعیت دنیا و آخرت نماید، آمادگی لازم را برای اقدامات عملی در خود مهیا می سازد. اصل تربیتی آخرت گرایی - دنیا گریزی انسان را در مدار یک حرکت پیش رونده ای قرار می دهد که امکان تعالی در آن محدود به نهایی نیست. تربیت و هدایت دینی بدون توجه به این اصل بنیادین امکان پذیر نیست، امری که از دیدگاه قرآن نیز حضوری فعال در جریان هدایت انسان دارد» (مشایخی، ۱۳۸۰).

سوالات اصلی پژوهش حاضر عبارتند از:

* امام علی (ع) در نهج البلاغه چگونه موضوع مرگ را توصیف، معرفی و ترسیم نموده است؟

* چگونه می توان مدلی جامع در خصوص تبیین موضوع مرگ از زبان امام علی(ع) در نهج البلاغه ارائه داد؟
سوالات فرعی پژوهش حاضر عبارتند از:

- * چه بخشی از نهج البلاغه به تفکیک سه بخش خطبه ها، نامه ها و حکمت ها اختصاص به موضوع مرگ داشته است؟
- * تعداد عناوین مورد بررسی در نهج البلاغه به تفکیک سه بخش خطبه ها، نامه ها و حکمت ها چگونه است؟
- * تعداد عناوین مورد بررسی در زمینه مرگ اندیشی به چه مباحثی پرداخته اند؟
- * چگونه می توان موضوعات اصلی مطرح شده در خصوص مرگ رادسته بندی و فهرست نویسی کرد؟

تبیین نظری سلامت معنوی: چیستی، فضای مفهومی و نسبت آن با مرگ پژوهی

مفهوم سلامت معنوی نخستین بار در سال ۱۹۷۱ توسط موبرگ تحت عنوان بهزیستی معنوی مطرح گردید. در طول دهه ها، سلامتی بر اساس ابعاد خاصی از قبیل سلامت جسمی، سلامت روانی و سلامت اجتماعی تحلیل شده بود؛ اما پیشنهاد و گنجاندن بعد سلامت معنوی در مفهوم سلامت از سوی راسل و عثمان (۱۹۷۹) یک بعد مهم از زندگی فردی و گروهی را فراروی صاحب نظران امر سلامت قرار داد. حدود یک ربع قرن پیش، سازمان جهانی بهداشت بحثی را عنوان کرد که آیا جنبه های معنوی (spiritual) را باید در تعریف سلامت (Health) وارد نمود؟ چند سال بعد افزودن سلامت معنوی (spiritual health) به ابعاد جسمی، روانی و عوامل اجتماعی سلامت پیشنهاد شد. «موری و زینتر (۱۹۸۹) در باره مفهوم معنویت این چنین میگویند: معنویت یک کیفیت روانی است که فراتر از باورهای مذهبی قرار دارد. فرد معنوی در زندگی هدفمند است. زمانی معنویت مهم در زندگی برجسته و مهم میشود که انسان در برابر فشارهای عاطفی، بیماریهای شدید و مرگ قرار گیرد» (شهیدی، ۱۳۸۶). «سلامت معنوی به برخورداری از حس پذیرش، احساس مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، دیگران و خود اطلاق می شود که طی فرآیندی پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدهای شخصی حاصل می آید. همچنین از مؤلفه های اصلی سلامت معنوی می توان به شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش های معنوی و ثمرات معنوی اشاره کرد» (عباسی و دیگران، ۱۳۹۱).

«یکی از شاخصه های بسیار مهم آموزه های دینی، توجه به مسئله «مرگ آگاهی و معناداری زندگی» است. ارائه تصاویر جذاب از پایان کار نیکوکاران و بهشت و نعمت های آن در قرآن و روایات، به مثابه قطب نمایی است که جهت زندگی انسان را در عوالم پس از مرگ روشن می سازد. تا از این طریق، امکان تجربه معناداری زندگی فرد هم گردد» (طاهری سرتشنیزی و موسوی، ۱۳۹۱). «در اندیشه قرآنی به سلامت معنوی بر اساس شاخص های شناختی، احساسی، رفتاری و پیامدی نگریسته می شود. بر اساس نتایج این پژوهش، کامل ترین تعریف به این صورت است: سلامت معنوی به عنوان احساسی درونی و رضایت بخش توأم با ارتباطات سازنده با خود و دیگران و وجود متعالی در چهارچوب فرهنگی خاص هر جامعه تعریف می شود که به معنادرکردن زندگی و مرگ می انجامد» (مرزبند و زکوی، ۱۳۹۱). «در منابع اسلامی «سلامت معنوی» از جایگاه ویژه ای برخوردار است. بررسی ها نشان داد که مهم ترین ویژگی های سلامت معنوی بر مبنای آموزه های قرآن و حدیث عبارتند از: اعتقاد به توحید، اصالت دادن به سلامت روح، گسترش دامنه سلامت به حیات اخروی. در این بررسی مهم ترین اصول مراقبت معنوی در سه حیطه شناختی، وجودی، عاطفی - احساسی، و رفتاری استخراج شده است» (زکوی و مرزبند، ۱۳۹۳). فاطمه سادات بیطرفان و فریبرز صدیقی ارفع (۱۳۹۳) نتیجه گیری نموده اند که مؤلفه های سلامت معنوی، هم در قرآن و هم در صحیفه سجاده، عبارتند از مؤلفه های معرفتی یا عقلی، عاطفی یا هیجانی، عملی و بازدهی؛ که به ترتیب بیانگر خدامحور بودن شناخت انسان معنوی، محبت ورزی نسبت به خداوند، رفتار خدامحور و در نتیجه سلامت همه جانبه جسم و روح انسان، به عنوان بازده شناخت، عاطفه و رفتار خدامحور است. از جمله مهمترین شاخص های معرفتی و عقلی، ایمان به خدا و روز قیامت و نیز اعتقاد به حکیم بودن خداوند متعال است.

«سلامت معنوی شامل سه بعد شناخت، عواطف و کنش است. بعد شناختی، برخورداری از شناخت یا معرفت ویژه نسبت به خدا، انسان و خلقت و پذیرش خدا و قوانین الهی بوده و اولین گام در حرکت به سوی خداوند است. گام بعد عواطف، احساس آرامش، نشاط،

امید و محبت ورزی نسبت به خدا و انبیای الهی است. از مهمترین شاخصهای سلامت معنوی و حالات انسان معنوی، عواطف مثبت (محبت ورزی نسبت به خدا و انبیای الهی و تجربه معنوی) است. بعد کنش، روشی است که فرد عقاید معنوی درونی خود را در جهان خارج آشکار میکند» (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۴). «مطابق تعالیم اسلامی، انسان زمانی به درک واقعی از معنای زندگی خواهد رسید که وجود خداوند متعال را درک کند، موقعیت و جایگاه خود در عالم به خوبی بشناسد؛ ارتباط و همبستگی ها انسان با خداوند متعال را درک کند، و سرانجام، به این باور برسد که زندگی انسان به این دنیا محدود نمی شود و پس از مرگ زندگی او همچنان ادامه خواهد داشت و اینکه چگونگی زندگی او پس از مرگ مبتنی بر نوع زندگی وی در این دنیا است» (مرادی، ۱۳۹۴). «مشخصات تعیین کننده سلامت معنوی شامل چهار طبقه خالق گرایی عاشقانه، عقلانیت دینی، وظیفه گرایی و آخرت نگر می باشد» (خراشادی زاده و همکاران، ۱۳۹۴). «بر اساس آیات و روایات، در حوزه اعتقادی: ایمان، تقوا، توکل بر خدا و معاد باوری و در حوزه عملی: ذکر، اقامه نماز، تلاوت قرآن، دعا، توسل و ازدواج، از راه های دستیابی و تقویت سلامت معنوی در انسان هستند» (معارف واسدی، ۱۳۹۶). «باور به معاد به منزله یکی از مولفه های سلامت معنوی تلقی شده است» (مصلحی، ۱۳۹۸ و خوشبخت پیشخانی و همکاران، ۱۳۹۸). «بخشی از آیات با معرفی حقیقت انسان و راهکارهای تکامل او (انسان شناسی)، بخشی با شناخت خدا و صفات او (خداشناسی) و بخشی دیگر با بیان سرانجام زندگی انسان (معادشناسی) مبانی سلامت معنوی و سعادت ابدی انسان را تبیین نموده اند. پرداختن به سلامت معنوی از منظر قرآن منجر به شناخت حقیقت انسان و دستیابی او به کمال و آسایش در جهان و آخرت خواهد شد. قرآن کریم راه های رسیدن به سلامت معنوی در دنیا و سلامت و سعادت ابدی در آخرت را به روشنی بیان نموده که یکی از آنها یاد مرگ گزارش شده است. مرگ، اولین مرحله ی پیشرو پس از زندگی دنیوی انسان است که هیچ گریزی از آن نیست؛ اما اگر شخص در این دنیا به سلامت معنوی قرآنی برسد، مرگ او نیز همراه با نشاط و سلامت بوده، هیچ ترسی از آن نخواهد داشت» (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸). «سلامت معنوی دارای سه مولفه اصلی شناختی/ عاطفی هیجانی و پیامدی در رفتار و عمل است. باور به جهان آخرت یکی از مولفه های شناختی سلامت معنوی شناسایی شده است» (عیسی مراد و همکاران، ۱۴۱۰)

ادبیات و پیشینه پژوهش مرگ اندیشی در نهج البلاغه:

الف) در حوزه نشر کتاب (طی سالهای ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۱):

- ۱) مرگ در نهج البلاغه (زهره ایزدی، ۱۳۸۹)
- ۲) دنیا، مرگ و برزخ در آیین نهج البلاغه (فاطمه احمدی، ۱۳۹۲)
- ۳) مرگ از دیدگاه امام علی (ع) (احمد فاطمی، ۱۳۹۲)
- ۴) یاد مرگ (ایعاد و کارکردهای تربیتی یاد مرگ) در نهج البلاغه (محمد جواد فدایی، ۱۳۹۳)
- ۵) مرگ و مردن از منظر نهج البلاغه (محمود قطبی، ۱۳۹۶)
- ۶) آثار یاد مرگ: از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه (مرضیه حیدرهای، ۱۳۹۹)
- ۷) پایان زندگی در نهج البلاغه (نورالله علیدوست خراسانی، ۱۳۹۹)

ب) در حوزه نشر مقالات مجلات علمی (طی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۱):

- ۱) مرگ و مرگ اندیشی (یحیی یشری، ۱۳۸۰)
- ۲) مرگ آگاهی و مرگ باوری در نهج البلاغه (محمد جواد رودگر، ۱۳۸۰)
- ۳) مقایسه مرگ اندیشی در نهج البلاغه و مینوی خرد و بهره های تربیتی آن (حمیدرضا بهروان، ۱۳۸۸)
- ۴) مرگ، آستانه ی جاودانگی: تبیین مرگ از دیدگاه نهج البلاغه (مجید صادقی و زهرا کامرانی، ۱۳۸۸)
- ۵) معنا و مفهوم مرگ آگاهی و آثار آن از دیدگاه امام علی علیه السلام (بخشعلی قنبری و محمدعلی مشایخی پور، ۱۳۹۱)

- ۶) مرگ آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهج البلاغه (اسحاق طاهری سرتشنیزی، ۱۳۹۱)
- ۷) مرگ و مردن: روایت های علم اجتماعی و دانش دینی (نظریه اجتماعی، نهج البلاغه، مثنوی معنوی) (محمود نجاتی حسینی، ۱۳۹۲)
- ۸) مرگ و مرگ اندیشی: راز مرگ در بیان امام علی (ع) (علی حائری مجد، ۱۳۹۳)
- ۹) آثار مرگ اندیشی در قرآن و نهج البلاغه (مریم ایمانی خوشخو، کبری اسماعیلی، ۱۳۹۴)
- ۱۰) شبهه دنیاگریزی و یاد مرگ در نهج البلاغه و نقد آن با تکیه بر فضای صدور (علی حاجی خانی، کاوس روحی برندق و علیرضا صفاریان همدانی، ۱۳۹۵)
- ۱۱) واکاوی مسائل مرگ و زندگی در نهج البلاغه بر اساس نظریه تقابل های دوگانه در ساختارگرایی (مهدی رضا کمالی بانیانی، حسین آریان و مهرداد اکبری گندمانی، ۱۳۹۶)
- ۱۲) گذر عمر در آیین نهج البلاغه و آموزه های مشترک در شعر حافظ (فاطمه احمدی، ۱۳۹۶)
- ۱۳) کارکرد عوامل پویایی در تصویرپردازی از مرگ در نهج البلاغه (زهرافرید، فاطمه شاه علی رامشه، ۱۳۹۷)
- ۱۴) حقیقت مرگ در قرآن و دلایل ترس از مرگ از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه (فاطمه حمیدی فرد، علی رضا یوسفی و نرگس کشتی آرا، ۱۳۹۸)
- ۱۵) آثار فردی و اجتماعی مرگ اندیشی از دیدگاه نهج البلاغه (حامده خادم جهرمی، ۱۳۹۸)
- ۱۶) پدیده مرگ در نهج البلاغه (محسن کارگر؛ کمال صحرانی اردکانی؛ یاسر رضاپور؛ یحیی میرحسینی، ۱۴۰۱)

روش تحقیق:

باتوجه به هدف تحقیق، نوع پژوهش براساس «استفاده از منابع موجود» (مطالعه کتابخانه ای یا اسنادی) و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شد. مراحل تحقیق حاضر به صورت ذیل انجام گرفته است:

الف) مراجعه به منابع و فهرس موضوعی نهج البلاغه در راستای شناسایی اولیه موارد مربوط به موضوع مرگ:

- ۱) تصنیف نهج البلاغه اثر لیب بیضون
- ۲) الهادی الی موضوعات نهج البلاغه تألیف آیه اله مشکینی
- ۳) الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، تألیف علی انصاریان
- ۴) المعجم الموضوعی لنهج البلاغه اثر اویس کریم محمد
- ۵) نهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه اثر شیخ محمد تقی شوشتری
- ۶) الکتاب المعجم لموضوعات نهج البلاغه اثر سید کاظم ارفع
- ۷) شرح نهج البلاغه صبحی صالح

ب) استخراج موارد معرفی «مرگ در نهج البلاغه» بر حسب منابع و فهرس موضوعی نهج البلاغه: براساس منابع مورد بررسی، در مجموع تعداد ۳۳ خطبه، ۷ نامه و ۱۵ حکمت در بخش «مرگ» در نهج البلاغه شناسایی و نهایی شده اند.

ج) مطالعه، فیش برداری و فهرست نویسی نهایی و جامع در خصوص معرفی «مرگ» در نهج البلاغه بر حسب ۳۳ خطبه، ۷ نامه و ۱۵ حکمت.

د) نگارش نهایی گزارش تحلیل داده های تحقیق براساس موارد پیشین در معرفی «مرگ در نهج البلاغه» بر اساس ترجمه فارسی فیض الاسلام.

یافته ها:

بخش اول: خطبه های نهج البلاغه (۳۳ خطبه):

خطبه ۲۰: «فَإِنَّكُمْ لَوْ قَدْ عَايَنْتُمْ مَا قَدْ عَايَنَ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ لَجَزَعْتُمْ وَوَهَلْتُمْ وَ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ، وَ لَكِنْ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا وَ قَرِيبٌ مَا يُطْرَحُ الْحِجَابُ، وَ لَقَدْ بَصَّرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ وَ أَسْمِعْتُمْ إِنْ سَمِعْتُمْ وَ هَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ، وَ بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ لَقَدْ جَاهَرْتَكُمْ الْعَبْرُ وَ زُجِرْتُمْ بِمَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ» (فراز ۱ تا ۳)

*منابع عبرت آموزی: چشم، گوش و غیره

*عبرت آموزی از گذشتگان (فراز ۱) (۴ جمله)

*اثرات رفتاری آنچه را که گذشتگان شما بچشم دیدند (فراز ۲): هر آینه غمگین می شوید و زاری می کنید و می شنوید و پیروی می نمایید.

*به تحقیق عبرت ها بر شما آشکار گردید (اتمام حجت) (فراز ۳)

خطبه ۲۱: «فَإِنَّ الْغَايَةَ أُمَامَكُمْ وَ إِنْ وَرَاءَكُمْ السَّاعَةُ لَا تَحْدُوَكُمْ، تَخَفُّوْا تَلْحَقُوا، فَإِنَّمَا يُنْتَظَرُ بِأُولَئِكَمُ أَخِرُكُمْ» (فراز ۱ و ۲)

*توصیف مرگ: قیامت شما را میراند

*بعد رفتاری (وظایف) (سبکبار شوید) و ضرورت آن

خطبه ۲۸: «أَلَا وَ إِنَّكُمْ فِي أَيَّامٍ أَمَلٍ مِنْ وَرَائِهِ أَجَلٌ، فَمَنْ عَمِلَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ نَفَعَهُ عَمَلُهُ وَ لَمْ يَضُرَّهُ أَجَلُهُ؛ وَ مَنْ قَصَرَ فِي أَيَّامٍ أَمَلِهِ قَبْلَ حُضُورِ أَجَلِهِ فَقَدْ خَسِرَ عَمَلُهُ وَ ضَرَّهُ أَجَلُهُ. أَلَا فَاعْمَلُوا فِي الرَّغْبَةِ كَمَا تَعْمَلُونَ فِي الرَّهْبَةِ.» (فراز ۴ و ۵)

*نسبت بین اجل و امل

*سنخ شناسی مردم از زاویه نسبت بین اجل و امل:

۱) پس کسیکه در روزهای امیدوارزوی خود پیش از رسیدن اجلش کار کرد، عملش اورانفع بخشیده مرگش زبانی وارد نیامد.

۲) و کسیکه در آن ایام پیش از رسیدن اجل کوتاهی کرد، کارش زار است و از مرگ زیان خواهد برد

*ضرورت عمل نمودن: آگاه باشید! همان گونه که به هنگام ترس و ناراحتی، (بر خدا عمل می کنید) به هنگام آرامش نیز عمل کنید

خطبه ۳۸: «فَمَا يَنْجُو مِنَ الْمَوْتِ مَنْ خَافَهُ وَ لَا يُعْطَى الْبَقَاءَ مَنْ أَحَبَّهُ» (فراز ۳)

*توصیف مرگ

خطبه ۵۲: «أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَصَرَّمَتْ وَ أَذْنَتْ بِانْقِضَائِهِ وَ تَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا وَ أَدْبَرَتْ حَذَاءَ فِيهِ تَحْفِزُ بِالْفَنَاءِ سُكَّانُهَا وَ تَحْدُو بِالْمَوْتِ جِيرَانُهَا» (فراز ۱)

*نسبت بین دنیا و مرگ: توصیف مرگ (همسایگانش را به سوی مرگ می راند).

خطبه ۶۳: «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ وَ بَادِرُوا أَجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ وَ ابْتَاعُوا مَا يَبْقَى لَكُمْ بِمَا يَزُولُ عَنْكُمْ وَ تَرَحَّلُوا فَقَدْ جَدَّ بِكُمْ وَ اسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَطَّلَكُمُ» (فراز ۱ و ۲)

*نسبت بین تقوی و مرگ

*چهار وظیفه در قبال زندگی دنیوی

*بعد رفتاری مرگ (بادروا اجلکم باعمالکم) و ضرورت آن

*آمادگی مرگ (استعدوا)

«وَ مَا بَيْنَ أَحَدِكُمْ وَ بَيْنَ الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ إِلَّا الْمَوْتُ أَنْ يَنْزِلَ بِهِ» (فراز ۴)

*توصیف مرگ (مرگ موضوعی قبل از دنیای آخرت)

«فَإِنَّ أَجَلَ مَسْئُورٍ عَنْهُ وَ أَمَلُهُ خَادِعٌ لَهُ» (فراز ۹)

*توصیف مرگ (نکته): زیرا مرگ از انسان پنهان است (معلوم نیست چه وقت عمرش بسر می رسد)

«نَسْأَلُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ لَا تَحُلْ بِهِ بَعْدَ الْمَوْتِ نَدَامَةً وَ لَا كَابَةً» (فراز ۱۱)

*دعا: نداشتن اندوه و پشیمانی پس از مرگ و آمادگی برای مرگ

«توصیه اخلاقی درخصوص مرگ: کاری کنید که اگر مرگتان فرا رسد، نادم و پشیمان و اندوهناک نباشید و آمادگی کافی برای آن به دست آورده باشید!

خطبه ۷۵: «اغْتَنِمِ الْمَهْلَ وَ بَادِرِ الْأَجَلَ وَ تَزَوَّدْ مِنَ الْعَمَلِ» (فراز ۵)

«بعد رفتاری (از فرصت برای عمل کردن استفاده کنید)

«بعد رفتاری مرگ (آمادگی مرگ)

«نسبت بین مهلت، اجل و عمل

خطبه ۸۲: «حَتَّى إِذَا أَنَسَ نَافِرُهَا وَ اطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَ فَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا وَ أَقْصَدَتْ بِأَسْهُمِهَا وَ أَعْلَقَتْ الْمَرْءَ أَوْهَاقَ الْمَنِيَّةِ قَائِدَةً لَهُ إِلَى ضَنْكِ الْمَضْجَعِ وَ وَحْشَةَ الْمَرْجِعِ وَ مُعَايِنَةَ الْمَحَلِّ وَ ثَوَابِ الْعَمَلِ. وَ كَذَلِكَ الْخَلْفُ بِعَقَبِ السَّلَفِ، لَا تُفْلِعُ الْمَنِيَّةُ اخْتِرَاماً وَ لَا يَرْعَوِي الْبَاقُونَ اجْتِرَاماً، يَحْتَدُونَ مِثَالاً وَ يَمْضُونَ أَرْسَالاً إِلَى غَايَةِ الْإِنْتِهَاءِ وَ صَيُورِ الْفَنَاءِ» (فراز ۹ تا ۷)

«نسبت بین دنیا و مرگ

«توصیف مرگ: تیر مرگ

«حَتَّى إِذَا تَصَرَّمَتِ الْأُمُورُ وَ تَقَضَّتِ الدُّهُورُ وَ أَزِفَ النَّشُورُ، أَخْرَجَهُمْ مِنْ ضَرَائِحِ الْقُبُورِ وَ أَوْكَارِ الطُّيُورِ وَ أَوْجَرَةَ السَّبَاعِ وَ مَطَارِحِ الْمَهَالِكِ سِرَاعاً إِلَى أَمْرِهِ مُهْطِعِينَ إِلَى مَعَادِهِ» (فراز ۹)

«نسبت بین آخرت و مرگ (زنده شدن مردگان در روز قیامت) (۸ نکته)

«عِبَادَ مَخْلُوقُونَ اقْتِدَاراً وَ مَرْبُوبُونَ اقْتِسَاراً وَ مَقْبُوضُونَ احْتِضَاراً وَ [مُضْمَنُونَ] مُضْمَنُونَ أَجْدَاناً وَ كَائِنُونَ رَفَاتاً وَ مَبْعُوثُونَ أَفْرَاداً وَ مَدِينُونَ جَزَاءً وَ مُمِيزُونَ حِسَاباً» (فراز ۱۲ تا ۱۴)

«آفرینش انسان و توصیف مرگ (مرگ و رستاخیز به منزله مرحله‌ای از خلقت انسان هستند)

«قَدْ أُمِّهَلُوا فِي طَلَبِ الْمَخْرَجِ وَ هَدُوا سَبِيلَ الْمَنْهَجِ وَ عَمَرُوا مَهْلَ الْمُسْتَعْتَبِ وَ كَشَفَتْ عَنْهُمْ سُدْفُ الرِّيبِ وَ خُلُّوا لِمِضْمَارِ الْجِيَادِ وَ رَوِيَّةِ الْإِرْتِيَادِ وَ أَنَاءِ الْمُقْتَبِسِ الْمُرتَادِ فِي مَدَّةِ الْأَجَلِ وَ مُضْطَرَبِ الْمَهْلِ»

«مهلت دادن و آمادگی برای مرگ

«اجل و مهلت

«فِيهَا لَهَا أَمْثَالاً صَائِبَةٌ وَ مَوَاعِظَ شَافِيَةٌ لَوْ صَادَفَتْ قُلُوباً زَاكِيَةً وَ أَسْمَاعاً وَاعِيَةً وَ آراءَ عَازِمَةً وَ الْبَابَا حَازِمَةً»

«توصیه اخلاقی و پندوانداز (تعجب از مثل‌های مفید ولی عدم تاثیر بر برخی انسانها)

«منابع عبرت آموزی: گوش و دل (و غیره) (اگر گوش شنوا و عقل آگاه و دل بیداری باشد، مواظب هدایتگر، به قدر کافی

در اختیار است)

«قَدَّرَ لَكُمْ أَعْمَاراً سَتَرَهَا عَنْكُمْ وَ خَلَفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ مِنْ مُسْتَمْتَعِ خَلْقِهِمْ وَ مُسْتَفْسِحِ خَنَاقِهِمْ أَرْهَقَتْهُمْ الْمَنَايَا دُونَ الْأَمَالِ وَ شَذَّبَهُمْ عَنْهَا تَخَرُّمُ الْأَجَالِ، لَمْ يَمْهَدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ وَ لَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ.» (فراز ۲۰ تا ۲۵)

«بعد عبرت گونه گذشتگان (خلف لکم عبراً)

«گذشتگان (۸ عبارت)

«در اول زمان (جوانی و توانائی) عبرت نگرفتند

«توصیف مرگ: گلو گیر شدن ریسمان آن

«مهلت و عبرت

«عمر انسان: پنهان بودن و ابعاد دیگر آن (نسبت بین عمر و مرگ)

«فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاضَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ وَ أَهْلُ غُصَارَةِ الصَّحَّةِ إِلَّا نَوَازِلَ السَّقَمِ وَ أَهْلُ مَدَّةِ الْبَقَاءِ إِلَّا أَوْنَةَ الْفَنَاءِ مَعَ قُرْبِ الزَّيَالِ وَ أَرْوَفِ الْإِنْتِقَالِ وَ عَلَرِ الْفَلَقِ وَ أَلَمِ الْمَضَضِ وَ غُصَصِ الْجَرَضِ وَ تَلَفَّتِ الْإِسْتِغَاثَةُ بِنُصْرَةِ الْحَفْدَةِ وَ الْأَقْرِبَاءِ وَ الْأَعِزَّةِ وَ الْقُرْنَاءِ فَهَلْ دَفَعَتِ الْأَقَارِبُ

أَوْ نَفَعَتِ النَّوَاجِبُ وَ قَدْ غُودِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِيناً وَ فِي ضَيْقِ الْمَضْجَعِ وَحِيداً قَدْ هَتَكَتِ الْهَوَامُّ جِلْدَتَهُ وَ أَبْلَتِ النَّوَاحِكُ جِدَّتَهُ وَ عَفَتِ الْعَوَاصِفُ آثَارَهُ وَ مَحَا الْحَدَثَانِ مَعَالِمَهُ وَ صَارَتِ الْأَجْسَادُ شَحْبَةً بَعْدَ بَضْتِهَا وَ الْعِظَامُ نَجْرَةً بَعْدَ قُوَّتِهَا وَ الْأَرْوَاحُ مُرْتَهَنَةً بِثِقَلِ أَعْبَانِهَا مُوقِنَةً بِغَيْبِ أَنْبَائِهَا لَا تُسْتَزَادُ مِنْ صَالِحِ عَمَلِهَا وَ لَا تُسْتَعْتَبُ مِنْ سَيِّئِ زَلِيلِهَا أَوْ لَسْتُمْ أَبْنَاءَ الْقَوْمِ وَ الْأَبَاءَ وَ إِخْوَانَهُمْ وَ الْأَقْرَبَاءَ تَحْتَدُونَ أُمُثْلَتَهُمْ وَ تَرْكَبُونَ قِدَتَهُمْ وَ تَطْطُونَ جَادَتَهُمْ فَالْقُلُوبُ قَاسِيَةٌ عَنْ حَظِّهَا لَاهِيَةٌ عَنْ رُشْدِهَا سَالِكَةٌ فِي غَيْرِ مِضْمَارِهَا كَأَنَّ الْمَعْنَى سِوَاهَا وَ كَأَنَّ الرُّشْدَ فِي إِحْرَازِ دُنْيَاهَا»

※چگونگی مردن (فراز ۲۱ تا ۲۵) (۲۶ عبارت)

※موانع تاثیرپذیری عبرت از احوال مردن در افراد (فراز ۲۶)

«وَ قَدْ عَبَرَ مَعْبَرُ الْعَاجِلَةِ حَمِيداً وَ قَدَّمَ زَادَ الْأَجَلِ سَعِيداً وَ بَادَرَ مِنْ وَجَلٍ وَ أَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَ رَغِبَ فِي طَلَبٍ وَ ذَهَبَ عَنْ هَرَبٍ وَ رَاقَبَ فِي يَوْمِهِ غَدَهُ وَ نَظَرَ قُدُماً أَمَامَهُ» (فراز ۳۱)

※جمع بندی مطالب پیشین (مرگ و بندگان خدا)

«أُمُّ هَذَا الَّذِي أَتَشَاءُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَ شُعْفِ الْأَسْتَارِ نُطْفَةُ دِهَاقٍ وَ عِلْقَةُ مَحَاقٍ وَ جَنِينٌ وَ رَاضِعٌ وَ وَلِيدٌ وَ يَافِعٌ، ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْباً حَافِظاً وَ لِسَاناً لَافِظاً وَ بَصَراً لَاحِظاً لِيَفْهَمَ مُعْتَبِراً وَ يَقْصِرَ مُزْدَجِراً، حَتَّى إِذَا قَامَ اعْتِدَالُهُ وَ اسْتَوَى مِثَالُهُ نَفَرَ مُسْتَكْبِراً وَ خَبِطَ سَادِراً مَاتِحاً فِي غَرْبِ هَوَاهُ كَادِحاً سَعِياً لِدُنْيَاهُ فِي لَذَاتِ طَرَبِهِ وَ بَدَوَاتِ أَرْبِهِ،»

※مراحل خلقت انسان (فراز ۳۶ و ۳۷) سرآغاز بحث چگونگی مردن

※منابع عبرت آموزی (فراز ۳۷)

«ثُمَّ لَا يَحْتَسِبُ رِزْيَةً وَ لَا يَخْشَعُ تَقِيَّةً، فَمَاتَ فِي فِتْنَتِهِ غَرِيراً وَ عَاشَ فِي هَفْوَتِهِ يَسِيراً لَمْ يُغْدِ عَوْضاً وَ لَمْ يَقْضِ مُفْتَرَضاً؛ دَهَمَّتُهُ فَجَعَاتُ الْمَنِيِّ فِي غَيْرِ جِمَاحِهِ وَ سَنَنِ مِرَاحِهِ فَظَلَّ سَادِراً وَ بَاتَ سَاهِراً فِي غَمَرَاتِ الْأَلَامِ وَ طَوَارِقِ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَسْقَامِ بَيْنَ أَخٍ شَقِيقٍ وَ وَالِدٍ شَفِيقٍ وَ دَاعِيَةٍ بِالْوَيْلِ جَزَعاً وَ لَادِمَةٍ لِلصَّدْرِ قَلْقاً وَ الْمَرْءِ فِي سَكْرَةِ مِلْهَتِهِ وَ غَمَرَةِ كَارِثَتِهِ وَ أَنَّهُ مُوجِعَةٌ وَ جَذْبَةٌ مُكْرِبَةٌ وَ سَوْقَةٌ مُتْعِبَةٌ، ثُمَّ أَدْرَجَ فِي أَكْفَانِهِ مَبْلِساً وَ جَذِبَ مُنْقَاداً سَلِساً، ثُمَّ أَلْقَى عَلَى الْأَعْوَادِ رَجِيعَ وَصَبٍ وَ نَضُو سَقَمٍ تَحْمِلُهُ حَفْدَةُ الْوِلْدَانِ وَ حَشْدَةُ الْإِخْوَانِ إِلَى دَارِ غُرْبَتِهِ وَ مُنْقَطِعِ زُورَتِهِ وَ مُفْرَدِ وَحْشَتِهِ، حَتَّى إِذَا انْصَرَفَ الْمُشِيعُ وَ رَجَعَ الْمُتَفَجِّعُ أَقْعَدَ فِي حُفْرَتِهِ نَجِيّاً لِبَهْتَةِ السُّؤَالِ وَ عَثْرَةِ الْإِمْتِحَانِ؛ وَ أَعْظَمَ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةُ نَزُولِ الْحَمِيمِ وَ تَصْلِيَةِ الْحَجِيمِ وَ فَوْرَاتِ السَّيْرِ وَ سَوَارَاتِ الزَّفِيرِ» (فراز ۳۸ تا ۴۲)

※مرگ در حال غفلت (فراز ۳۸)

※چگونگی مردن و حالات (فراز ۳۹ تا ۴۲) عبارت (تشییع جنازه و قبر)

«أُولَى الْأَبْصَارِ وَ الْأَسْمَاعِ وَ الْعَافِيَةِ وَ الْمَتَاعِ، هَلْ مِنْ مَنَاصِي أَوْ خَلَاصٍ أَوْ مَعَادٍ أَوْ مَلَاذٍ أَوْ فِرَارٍ أَوْ مَحَارٍ أَمْ لَا؟ فَأَنَّى تُؤَفِّقُونَ، أَمْ أَيْنَ تُصْرَفُونَ، أَمْ بِمَاذَا تُغْتَرُونَ؟ وَ إِنَّمَا حَظُّ أَحَدِكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتِ الطُّولِ وَ الْعَرْضِ قَيْدٌ قَدِهِ [مُنْعِراً] مُتَعَفِراً عَلَى خَدِهِ. الْآنَ عِبَادَ اللَّهِ وَ الْخَنَاقُ مُهْمَلٌ وَ الرُّوحُ مُرْسَلٌ فِي فَيْئَةِ الْإِرْشَادِ وَ رَاحَةِ الْأَجْسَادِ وَ بَاحَةِ الْإِحْتِشَادِ وَ مَهَلِ الْبَقِيَّةِ وَ أَنْفِ الْمَشِيَّةِ وَ إِنْظَارِ التَّوْبَةِ وَ انْفِسَاحِ الْحَوْبَةِ، قَبْلَ الضَّنْكِ وَ الْمَضِيقِ وَ الرُّوعِ وَ الزُّهُوقِ وَ قَبْلَ قُدُومِ الْغَائِبِ الْمُنْتَظَرِ وَ إِخْذَةِ الْعَزِيزِ الْمُقْتَدِرِ.» (فراز ۴۶ تا ۴۹)

※منابع عبرت آموزی: گوش، چشم و غیره (فراز ۴۶)

※توصیف مرگ: گریزو فراری از مرگ نیست (حتمی بودن مرگ)

※عبرت گرفتن از گذشتگان (۲ عبارت) فراز ۴۷

※بعد رفتاری (فرصت را غنیمت شمردن) و ضرورت آن (فراز ۴۸ و ۴۹)

خطبه ۸۴: «فَاتَّعَظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِبَرِ النَّوَافِعِ وَ اعْتَبَرُوا بِالْآيِ السَّوَاطِعِ وَ ازْدَجَرُوا بِالنَّذْرِ الْبَوَالِغِ وَ انْتَفَعُوا بِالذِّكْرِ وَ الْمَوَاعِظِ فَكَأَنَّ قَدْ عَلِقْتُمْ مَحَالِبَ الْمَنِيِّ وَ انْقَطَعَتْ مِنْكُمْ عِلَاقُ الْأُمْنِيَةِ وَ دَهَمَتْكُمْ مَفْطَعَاتُ الْأُمُورِ وَ السَّيَاقَةُ إِلَى الْوَرْدِ الْمُرُودِ وَ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ سَائِقٌ يَسُوقُهَا إِلَى مُحْشَرِهَا وَ شَاهِدٌ يَشْهَدُ عَلَيْهَا بِعَمَلِهَا» (فراز ۵۳ تا ۵۵)

※ضرورت پندگیری و موعظه و غیره (فراز ۳)

*چهارتوصیه (فراز ۳) و ضرورت آنها (فراز ۴)

*توصیف مرگ (چنگال های مرگ)

خطبه ۸۵: «فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُ مِنْكُمْ فِي أَيَّامٍ مَهْلَةٍ قَبْلَ إِرْهَاقِ أَجَلِهِ، وَ فِي فَرَاغِهِ قَبْلَ أَوَانِ شُغْلِهِ؛ وَ فِي مُتَنَفِّسِهِ قَبْلَ أَنْ يُؤْخَذَ بِكَظْمِهِ؛ وَ لِيُمَهِّدَ لِنَفْسِهِ وَ قَدَمِهِ؛ وَ لِيَتَزَوَّدَ مِنْ دَارِ طَعْنِهِ لِدَارِ إِقَامَتِهِ.» (فراز ۲)

*پنج توصیه اخلاقی و رفتاری (۳ مورد آن ... قبل از... می باشد)

*صفات الهی و دعوت به اطاعت و بندگی خدا

*بعد رفتاری مرگ (پس عمل کنید...) و ضرورت های عمل کردن

*مهلت و اجل (عمر زمان مهلت و توشه برداشتن است)

خطبه ۸۹: «عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُورَثُوا، وَ حَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا، وَ تَنْفَسُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْخِنَاقِ، وَ انْقَادُوا قَبْلَ عُنْفِ السَّيَاقِ.» (فراز ۶)

*چهار وظیفه در قبال موضوع مرگ

*ضرورت عمل کردن (غنیمت شمردن فرصت ها، ... قبل از اجل و گرفتن گلو) (رسیدن مرگ)

خطبه ۹۰: «وَبَسَلَامَتِهَا طَوَارِقُ أَقَاتِهَا وَ بَفَرَجِ أَفْرَاجِهَا غُصَصُ أَثْرَاجِهَا، وَ خَلَقَ الْأَجَالَ فَأَطَالَهَا وَ قَصَرَهَا وَ قَدَمَهَا وَ أَخَرَهَا، وَ وَصَلَ بِالْمَوْتِ أَسْبَابَهَا وَ جَعَلَهُ خَالِجاً لِأَشْطَانِهَا وَ قَاطِعاً لِمَرَائِرِ أَقْرَانِهَا.» (فراز ۴۹)

*خدا و انسان : یکی از تقدیرهای الهی: (۱) تعیین و قدر عمر انسان (اجل) و (۲) فراهم نمودن موجبات مرگ

*توصیف مرگ (۲ خصوصیت) (کشنده طنابهای ... و ریسمانهای کوتاه...)

خطبه ۹۸: «وَكَمْ عَسَى الْمُجْرَى إِلَى الْغَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا وَ مَا عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءُ مَنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعُدُّهُ وَ طَالِبٌ حَثِيثٌ مِنَ الْمَوْتِ يَحْدُوهُ وَ مُزْعِجٌ فِي الدُّنْيَا أَعَنِ الدُّنْيَا حَتَّى يُفَارِقَهَا رَعْمًا.» (فراز ۳)

*توصیف مرگ (باشتاب اورامی راند): (۱) از مرگ فرار و گریزی نیست (۲) مرگ گریبان افرازا می گیرد

«أَوَلَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ مُذْجَرٌّ وَ فِي آبَائِكُمْ [الْأَوَّلِينَ] الْمَاضِينَ تَبْصِرَةٌ وَ مُعْتَبَرٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ؟ أَمْ لَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَرْجِعُونَ وَ إِلَى الْخَلْفِ الْبَاقِينَ لَا يَبْقَوْنَ؟» (فراز ۵)

*عبرت گرفتن از گذشتگان (۵ عبارت)

«وَأَوَلَسْتُمْ تَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا إِمْسُونُ وَ يُصْبِحُونَ أَوْ يُمْسُونَ عَلَى أَحْوَالِ شَيْءٍ، فَمَيِّتٌ [فَمَيِّتٌ] يُبْكِي وَ آخِرُ يُعْزِي وَ صَرِيحٌ مُبْتَلَى وَ عَائِدٌ يَعُودُ وَ آخِرُ بِنَفْسِهِ يَجُودُ وَ طَالِبٌ لِلدُّنْيَا وَ الْمَوْتُ يَطْلُبُهُ وَ غَافِلٌ وَ لَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ؛ وَ عَلَى أَثَرِ الْمَاضِي مَا يَمْضِي الْبَاقِي.» (فراز ۶)

*اوصاف نسبت اهل دنیا و مرگ

«أَلَا فَادْكُرُوا هَازِمَ اللَّذَاتِ وَ مُنْغَصَّ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمُسَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ.» (فراز ۷)

*یادآوری مرگ

*توصیف مرگ (سه ویژگی)

*بعد رفتاری مرگ: یاد مرگ در زمان انجام اعمال زشت

خطبه ۱۰۸: «فَهُوَ عَبْدٌ لَهَا وَ لِمَنْ فِي يَدَيْهِ شَيْءٌ مِنْهَا، حَيْثُمَا زَالَتْ زَالَ إِلَيْهَا وَ حَيْثُمَا أَقْبَلَتْ أَقْبَلَ عَلَيْهَا، لَا يَنْزَجِرُ مِنَ اللَّهِ بِزَاجِرٍ وَ لَا يَتَعْظَمُ مِنْهُ بِوَاعِظٍ، وَ هُوَ يَرَى الْمَأْخُودِينَ عَلَى الْغِرَةِ حَيْثُ لَا إِقَالَهَ [أَلَهُمْ] وَ لَا رَجْعَةَ، كَيْفَ نَزَلَ بِهِمْ مَا كَانُوا يَجْهَلُونَ وَ جَاءَهُمْ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا مَا كَانُوا يَأْمَنُونَ وَ قَدِمُوا مِنَ الْآخِرَةِ عَلَى مَا كَانُوا يُوعَدُونَ.» (فراز ۱۴)

*نسبت بین دنیا و مرگ

«فَعَبِيرٌ مَوْصُوفٌ مَا نَزَلَ بِهِمْ؛ اجْتَمَعَتْ عَلَيْهِمْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ وَ حَسْرَةُ الْقُوَّةِ، فَفَتَرَتْ لَهَا أَطْرَافَهُمْ وَ تَغَيَّرَتْ لَهَا أَلْوَانُهُمْ، ثُمَّ ارْتَدَادَ الْمَوْتُ فِيهِمْ وَ لَوْجًا، فَحِيلَ بَيْنَ أَحَدِهِمْ وَ بَيْنَ مَنْطِقِهِ وَ إِنَّهُ لَبَيْنَ أَهْلِهِ يَنْظُرُ بِبَصَرِهِ وَ يَسْمَعُ بِأَذْنِهِ عَلَى صِحَّةٍ مِنْ عَقْلِهِ وَ بَقَاءٍ مِنْ لُبِّهِ، يُفَكِّرُ فِيهِمْ

أَفْنَى عُمْرِهِ وَفِيمَ أَذْهَبَ دَهْرُهُ، وَ يَتَذَكَّرُ أَمْوَالًا جَمَعَهَا أَغْمَضَ فِي مَطَالِبِهَا وَ أَخَذَهَا مِنْ مُصَرَّحَاتِهَا وَ مُشْتَبِهَاتِهَا، قَدْ لَزِمَتْهُ تَبَعَاتُ جَمْعِهَا وَ أَشْرَفَ عَلَى فِرَاقِهَا، تَبْقَى لِمَنْ وَرَاءَهُ [يَنْعَمُونَ] يَنْعَمُونَ فِيهَا وَ يَتَمَتَّعُونَ بِهَا، فَيَكُونُ الْمَهْنُ لِغَيْرِهِ وَ الْعِبَاءُ عَلَى ظَهْرِهِ وَ الْمَرْءُ قَدْ غَلَقَتْ رَهُونَهُ بِهَا، فَهُوَ يَعْضُ يَدَهُ نَدَامَةً عَلَى مَا أَصْحَرَ لَهُ عِنْدَ الْمَوْتِ مِنْ أَمْرِهِ وَ يَزْهَدُ فِيمَا كَانَ يَرْغَبُ فِيهِ أَيَّامَ عُمْرِهِ، وَ يَتَمَنَّى أَنْ الَّذِي كَانَ يَغِطُّهُ بِهَا وَ يَحْسُدُهُ عَلَيْهَا قَدْ حَازَهَا دُونَهُ؛ فَلَمْ يَزَلِ الْمَوْتُ يُبَالِغُ فِي جَسَدِهِ حَتَّى خَالَطَ لِسَانَهُ سَمْعُهُ، فَصَارَ بَيْنَ أَهْلِهِ لَا يَنْطِقُ بِلِسَانِهِ وَ لَا يَسْمَعُ بِسَمْعِهِ، يَرَدُّ طَرَفُهُ بِالنَّظَرِ فِي وُجُوهِهِمْ يَرَى حَرَكَاتِ الْأَسْنَنِهِمْ وَ لَا يَسْمَعُ رَجْعَ كَلَامِهِمْ؛ ثُمَّ أَزَادَ الْمَوْتُ التَّيَاطُّ بِه [فَقَبِضَ بَصَرَهُ كَمَا قَبِضَ سَمْعَهُ] فَقَبِضَ بَصَرَهُ كَمَا قَبِضَ سَمْعَهُ وَ خَرَجَتِ الرُّوحُ مِنْ جَسَدِهِ فَصَارَ جِيفَةً بَيْنَ أَهْلِهِ قَدْ [أَوْحَشُوا] أَوْحَشُوا مِنْ جَانِبِهِ وَ تَبَاعَدُوا مِنْ قُرْبِهِ، لَا يُسْعِدُ بَاكِئًا وَ لَا يُجِيبُ دَاعِيًا؛ ثُمَّ حَمَلُوهُ إِلَى مَحَطٍّ فِي الْأَرْضِ، فَأَسْلَمُوهُ فِيهِ إِلَى عَمَلِهِ وَ انْقَطَعُوا عَنْ زَوْرَتِهِ» (فراز ۱۵ تا ۲۱)

*چگونگی مردن (سکرات مرگ) (فراز ۱۵ تا ۲۱) ۳۴ عبارت

خطبه ۱۱۰: «فَاعْلَمُوا وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ بِأَنَّكُمْ تَارِكُوهَا وَ ظَاعِنُونَ عَنْهَا، وَ اتَّعَظُوا فِيهَا بِالَّذِينَ قَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً، حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ فَلَا يَدْعُونَ رُكْبَانًا، وَ اتَّزَلُوا الْأَجْدَاثَ فَلَا يَدْعُونَ ضَيْفَانًا، وَ جُعِلَ لَهُمْ مِنَ الصَّفِيحِ أَجْنَانٌ وَ مِنَ التُّرَابِ أَكْفَانٌ وَ مِنَ الرِّقَاتِ جِيرَانٌ، فَهُمْ جِيرَةٌ لَا يُجِيبُونَ دَاعِيًا وَ لَا يَمْنَعُونَ ضَيْمًا وَ لَا يَبَالُونَ مَنَدَبَةً، إِنْ جِيدُوا لَمْ يَفْرَحُوا وَ إِنْ قُحِطُوا لَمْ يَقْنَطُوا، جَمِيعٌ وَ هُمْ أَحَادٌ وَ جِيرَةٌ وَ هُمْ أَبْعَادٌ، مُتَدَانُونَ لَا يَتَزَاوَرُونَ وَ قَرِيبُونَ لَا يَتَقَارَبُونَ، حُلَمَاءٌ قَدْ ذَهَبَتْ أَصْغَانُهُمْ وَ جُهَلَاءٌ قَدْ مَاتَتْ أَحْقَادُهُمْ، لَا يُخْشَى فَجْعُهُمْ وَ لَا يُرْجَى دَفْعُهُمْ، اسْتَبْدَلُوا بِظَهْرِ الْأَرْضِ بَطْنًا وَ بِالسَّعَةِ ضَيْقًا وَ بِالْأَهْلِ غُرْبَةً وَ بِالنُّورِ ظُلُمَةً، فَجَاءُوهَا كَمَا فَارَقُوهَا حُفَاءً عَرَاءً، قَدْ ظَنَعُوا عَنْهَا بِأَعْمَالِهِمْ إِلَى الْحَيَاةِ الدَّائِمَةِ وَ الدَّارِ الْبَاقِيَةِ، كَمَا قَالَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى: «كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (فراز ۲۰ تا ۲۶)

*معرفی احوال گذشتگان و عبرت (پندگرفتن) از احوال آنها (فرازهای ۲۰ تا ۲۶) (۲۷ عبارت)

*بعد موعظه ای مرگ (و اتَّعَظُوا...) (فراز ۲۰)

خطبه ۱۱۲: «اجْعَلُوا مَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنْ [طَلِبَتِكُمْ] طَلِبِكُمْ وَ اسْأَلُوهُ مِنْ أَدَاءِ حَقِّهِ [كَمَا] مَا سَأَلَكُمْ وَ أَسْمِعُوا دَعْوَةَ الْمَوْتِ آذَانَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَدْعَى بِكُمْ» (فراز ۶)

*مرگ را فراموش نکنید

*بعد رفتاری مرگ (سه وظیفه درقبال مرگ) (اجْعَلُوا وَ اسْأَلُوهُ وَ أَسْمِعُوا) دعوت مرگ را بشنوید

*اطاعت و بندگی خدا و مرگ (کوشش درراه بندگی خدا)

خطبه ۱۱۳: «وَاسْتَقْرِبُوا الْأَجَلَ، فَبادَرُوا الْعَمَلَ وَ كَذَّبُوا الْأَمْلَ، فَلَا حَظَّوُا الْأَجَلَ» (فراز ۹)

*نسبت تقوی و مرگ

*دو نکته و پیامدهر کدام از آنها: و مرگ را نزدیک دانسته بانجام عمل نیکو شتافتند، و آرزو را دروغ پنداشته بسر رسیدن

عمر را در نظر گرفتند (نسبت بین اجل و امل)

*بعد رفتاری مرگ (مبادرت کردن به عمل)

«يُرْمَى الْحَيَّ بِالْمَوْتِ» (فراز ۱۰)

*نسبت دنیا و مرگ

*توصیف مرگ (تیرمرگ)

«فَبَادَرُوا الْعَمَلَ وَ خَافُوا بَغْتَةَ الْأَجَلِ، فَإِنَّهُ لَا يُرْجَى مِنْ رَجْعَةِ الْعُمُرِ مَا يُرْجَى مِنْ رَجْعَةِ الرِّزْقِ، مَا فَاتَ الْيَوْمَ مِنَ الرِّزْقِ رُجِيَ غَدًا زِيَادَتُهُ وَ مَا فَاتَ أَمْسٍ مِنَ الْعُمُرِ لَمْ يَرْجَ الْيَوْمَ رَجْعَتُهُ» (فراز ۲۱)

*بعد رفتاری (۲) وظیفه وسه ضرورت: به عمل کردن مبادرت کنید

*نسبت بین عمل و اجل

*توصیف مرگ : ناگهانی بودن مرگ

خطبه ۱۳۲: «فَإِنَّهُ وَاللَّهِ الْجِدُّ لَا اللَّعِبُ وَالْحَقُّ لَا الْكَذِبُ، وَمَا هُوَ إِلَّا الْمَوْتُ أَسْمَعَ دَاعِيهِ وَأَعْجَلَ حَادِيهِ؛ فَلَا يَغُرَّتْكَ سَوَادُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ وَقَدْ رَأَيْتَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِمَّنْ جَمَعَ الْمَالَ وَحَذَرَ الْإِقْلَالَ وَآمَنَ الْعَوَاقِبَ طُولَ أَمَلٍ وَاسْتَبْعَادَ أَجَلٍ، كَيْفَ نَزَلَ بِهِ الْمَوْتُ فَازْعَجَهُ عَنْ وَطَنِهِ وَأَخَذَهُ مِنْ مَأْمَنِهِ، مَحْمُولًا عَلَى أَعْوَادِ الْمَنَآيَا، يَتَعَاطَى بِهِ الرَّجَالُ الرَّجَالَ حَمَلًا عَلَى الْمَنَاقِبِ وَإِمْسَاكًا بِالْأَنَامِلِ. أَمَّا رَأَيْتُمُ الَّذِينَ يَأْمَلُونَ بَعِيدًا وَيَبْنُونَ مَشِيدًا وَيَجْمَعُونَ كَثِيرًا، كَيْفَ أَصْبَحَتْ بَيُوتُهُمْ قُبُورًا وَمَا جَمَعُوا بُورًا وَصَارَتْ أَمْوَالُهُمْ لِلْوَارِثِينَ وَأَزْوَاجُهُمْ لِقَوْمٍ آخَرِينَ، لَا فِي حَسَنَةٍ يَزِيدُونَ وَلَا مِنْ سَيِّئَةٍ يَسْتَعْتِبُونَ أَلَيْسَتْ عِبْرَةٌ؟» (فراز ۴ تا ۶)

*امل و اجل

*نسبت بين دنيا ومرگ

*نسبت بين تقوى ومرگ

*غفلت نورزیدن از مرگ (مغرور نشدن به)

*توصيف مرگ (چهار نکته) فراز ۴

*چگونگی مردن فراز ۵ و ۶ (۱۸ عبارت)

خطبه ۱۴۵: «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرَضٌ تَنْتَضِلُ فِيهِ الْمَنَآيَا، مَعَ كُلِّ جَرَعَةٍ شَرَقَ وَ فِي كُلِّ أَكْلَةٍ غَصَصٌ، لَا تَنَالُونَ مِنْهَا نِعْمَةً إِلَّا يَفِرَّاقِ أُخْرَى، وَلَا يُعَمَّرُ مَعْمَرٌ مِنْكُمْ يَوْمًا مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا يَهْدِمُ آخَرَ مِنْ أَجَلِهِ، وَلَا تَجِدُدُ لَهُ زِيَادَةٌ فِي أَكْلِهِ إِلَّا يَنْفَادِ مَا قَبْلَهَا مِنْ رِزْقِهِ، وَلَا يَحْيَا لَهُ أَثَرٌ إِلَّا مَاتَ لَهُ أَثَرٌ، وَلَا يَتَجَدَّدُ لَهُ جَدِيدٌ إِلَّا بَعْدَ أَنْ يَخْلُقَ لَهُ جَدِيدٌ، وَلَا تَقُومُ لَهُ نَابِتَةٌ إِلَّا وَ تَسْقُطُ مِنْهُ مَحْصُودَةٌ، وَقَدْ مَضَتْ أَصُولُ نَحْنُ فُرُوعُهَا، فَمَا بَقَاءُ قَرَعٍ بَعْدَ ذَهَابِ أَصْلِهِ» (فراز ۴ تا ۶)

*توصيف مرگ : مردم هدف تير مرگ هستند.

*نسبت دنيا ومرگ

خطبه ۱۴۷: «وَأَيُّهَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ يَطُولُ أَمَالِهِمْ وَ تَغَيَّبَ آجَالِهِمْ، حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ الَّذِي تَرَدُّ عَنْهُ الْمَعْدِرَةُ وَ تَرْفَعُ عَنْهُ التَّوْبَةُ وَ تَحُلُّ مَعَهُ الْقَارِعَةُ وَ النِّقْمَةُ» (فراز ۱۱)

*نامعلومی مرگ (تَغَيَّبَ آجَالِهِمْ)

*غفلت از مرگ

*نسبت بين امل و اجل

*توصيف مرگ (سه ویژگی) (الْمَوْعُودُ الَّذِي تَرَدُّ عَنْهُ وَ تَرْفَعُ عَنْهُ وَ تَحُلُّ)

خطبه ۱۴۹: «أَيُّهَا النَّاسُ، كُلُّ امْرِئٍ لَاقِيَ مَا يَفِرُّ مِنْهُ فِي فِرَارِهِ، الْأَجَلُ مَسَاقُ النَّفْسِ وَ الْهَرَبُ مِنْهُ مُوَافَاتُهُ» (فراز ۱)

*توصيف مرگ (سه ویژگی)

«وَأَيُّهَا كُنْتُ جَارًا جَاوَرَكُمُ بَدَنِي أَيَّامًا وَ سَتَعْقُبُونَ مِنِّي جُثَّةً خَلَاءً، سَاكِنَةً بَعْدَ حَرَآكٍ وَ صَامِتَةً بَعْدَ نَطْقٍ، [لِيُعْطِيَكُمْ هُدُوءِي] لِيُعْطِيَكُمْ هُدُوءِي وَ خَفُوتُ إِطْرَاقِي وَ سَكُونُ أَطْرَاقِي، فَإِنَّهُ أَوْعَظُ لِلْمُعْتَبِرِينَ مِنَ الْمَنْطِقِ الْبَلِيغِ وَ الْقَوْلِ الْمَسْمُوعِ» (فراز ۷)

*عبرت از مرگ ديگران

*اهميت کارکرد عبرت (زیرا این حال برای عبرت گیرنده ها از هر گفتار بلیغ و سخن پذیرفته شده ای پند دهنده تر است،)

خطبه ۱۵۵: «وَبِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا، وَ بِالْدُّنْيَا تُحَرَّزُ الْآخِرَةُ» (فراز ۴)

*توصيف مرگ

*نسبت دنيا و مرگ

خطبه ۱۵۶: «عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِيهِ بِالْمَاضِينَ، لَا يَعُودُ مَا قَدْ وَلَّى مِنْهُ وَ لَا يَبْقَى سَرْمَدًا مَا فِيهِ، آخِرُ فَعَالِهِ كَأَوَّلِهِ، مُتَشَابِهَةٌ أُمُورُهُ، مُتَظَاهِرَةٌ أَعْلَامُهُ، فَكَأَنَّكُمْ بِالسَّاعَةِ تَحْدُوكُمْ حَدُّو الزَّاجِرِ بِشَوْلِهِ» (فراز ۲)

*گذشتگان (۶ عبارت)

※توصیف مرگ: قیامت شما را میراند(تمثیل به شتر.....)

«يَذْهَبُ الْيَوْمَ بِمَا فِيهِ وَ يَجِيءُ الْعَدُوَّ لَاحِقًا بِهِ، فَكَانَ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ قَدْ بَلَغَ مِنَ الْأَرْضِ مَنْزِلَ وَحْدَتِهِ وَ مَخْطَ حَفْرَتِهِ، فَيَا لَهُ مِنْ بَيْتٍ وَحْدَةٍ وَ مَنْزِلٍ وَحْشَةٍ وَ مَقَرٍّ غُرْبَةٍ»(فراز ۱۳)

※زودگذربودن عمر و فردای قبر

«فَاتَّعِظُوا بِالْعَبْرِ وَ اعْتَبِرُوا بِالْغَيْرِ وَ انْتَفِعُوا بِالنَّذْرِ»(فراز ۱۵)

※سه وظیفه تربیتی:

※بعد عاطفی مرگ: مرگ به منزله موعظه (پند گرفتن از مرگ و سختی های آن)

خطبه ۱۶۶: «بَادِرُوا أَمْرَ الْعَامَةِ وَ خَاصَّةَ أَحَدِكُمْ وَ هُوَ الْمَوْتُ، فَإِنَّ النَّاسَ أَمَامَكُمْ وَ إِنَّ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ مِنْ خَلْفِكُمْ، تَخَفُّوْا تَلْحَقُوا فَإِنَّمَا يُنْتَظَرُ بِأُولَئِكَ آخِرُكُمْ»(فراز ۴)

خطبه ای از آن حضرت (ع) در آغاز خلافتش فرمود:

※بعدرفتاری(مبادرت ورزیدن به مرگ و ضرورن آن

※وظیفه در قبال مرگ: سبکبارشود

※قیامت شما را میراند

خطبه ۱۸۱: «قُلُوا أَنْ أَحَدًا يَجِدُ إِلَى الْبَقَاءِ سُلْمًا أَوْ لِدْفَعِ الْمَوْتَ سَبِيلًا، لَكَانَ ذَلِكَ سَلِيمَانَ بْنِ دَاوُدَ (عليه السلام) الَّذِي سَخَّرَ لَهُ مَلِكُ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مَعَ النَّبُوَّةِ وَ عَظِيمِ الزُّلْفَةِ، فَلَمَّا اسْتَوْفَى طُعْمَتَهُ وَ اسْتَكْمَلَ مَدَّتَهُ، رَمَتْهُ قِسِيَّ الْفَنَاءِ بِنَبَالِ الْمَوْتِ وَ أَصْبَحَتِ الدِّيَارُ مِنْهُ خَالِيَةً وَ الْمَسَاكِينُ مَعْطَلَةً وَ وَرَثَتُهَا قَوْمٌ آخَرُونَ. وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً، أَيْنَ الْعَمَالِقَةُ وَ أَيْنَاءُ الْعَمَالِقَةِ؟ أَيْنَ الْفَرَاعِنَةُ وَ أَيْنَاءُ الْفَرَاعِنَةِ؟ أَيْنَ أَصْحَابُ مَدَائِنِ الرُّسِّ الَّذِينَ قَتَلُوا النَّبِيِّينَ وَ أَطْفَأُوا سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَحْيَوْا سُنَنَ الْجَبَّارِينَ؟ أَيْنَ الَّذِينَ سَارُوا بِالْجِيُوشِ وَ هَزَمُوا [الْأُلُوفَ] بِالْأُلُوفِ وَ عَسَكُرُوا الْعَسَاكِرَ وَ مَدَنُوا الْمَدَائِنَ» (فراز ۱۹ و ۲۰)

※نسبت بین تقوی و مرگ

※توصیف مرگ:دومورد(تیر مرگ و ممانعتی از مرگ نیست(تحقق یافتنی است: حضرت سلیمان) (فراز ۱۹)

※اهمیت عبرت(فراز ۲۰)

※پندآموزی از گذشتگان(فراز ۲۰)(۱۱ عبارت)

خطبه ۱۸۲: «فَبَادِرُوا الْمَعَادَ وَ سَابِقُوا الْأَجَالَ، فَإِنَّ النَّاسَ يُوْشِكُ أَنْ يَنْقَطِعَ بِهِمُ الْأَمَلُ وَ يَرْهَقَهُمُ الْأَجَلُ وَ يَسَدَّ عَنْهُمْ بَابُ التَّوْبَةِ؛ فَقَدْ أَصْبَحْتُمْ فِي مِثْلِ مَا سَأَلَ إِلَيْهِ الرَّجْعَةُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ وَ أَنْتُمْ بَنُو سَبِيلٍ عَلَى سَفَرٍ مِنْ دَارٍ لَيْسَتْ بِدَارِكُمْ، وَ قَدْ أَوْذَنْتُمْ مِنْهَا بِالْإِرْتِحَالِ وَ أَمِرْتُمْ فِيهَا بِالزَّادِ»(فراز ۱۲ و ۱۳)

※بعدرفتاری (۲توصیه اخلاقی و رفتاری و ۳ ضرورت آن)(امل و اجل)(مبادرت ورزیدن به معاد)

※گذشتگان(فراز ۱۲)

※ضرورت دو توصیه اخلاقی و رفتاری فراز ۱۲ (سه ضرورت)(فراز ۱۳)

※پیشی گرفتن بر مرگ (سَابِقُوا الْأَجَالَ)

خطبه ۱۸۷: «عِبَادَ اللَّهِ، الْآنَ فَاعْمَلُوا [فَاعْمَلُوا]، وَ الْأَلْسُنُ مُطْلَقَةٌ وَ الْأَبْدَانُ صَاحِحَةٌ وَ الْأَعْضَاءُ لَدَنَّهُ وَ الْمُتَقَلَّبُ فَسِيحٌ وَ الْمَجَالُ عَرِيضٌ، قَبْلَ إِرْهَاقِ الْفَوْتِ وَ حُلُولِ الْمَوْتِ، فَحَقِّقُوا عَلَيْكُمْ نُزُولَهُ وَ لَا تَنْتَظِرُوا قُدُومَهُ»(فراز ۴)

※غنیمت شمردن فرصت ها

※بعدرفتاری:عمل کردن و نه ضرورت آن

خطبه ۱۸۹: «فَاجْعَلُوا طَاعَةَ اللَّهِ شِعَارًا دُونَ دَنَارِكُمْ وَ دَخِيلًا دُونَ شِعَارِكُمْ وَ لَطِيفًا بَيْنَ أَضْلَاعِكُمْ وَ أَمِيرًا فَوْقَ أُمُورِكُمْ وَ مِنْهَلًا لِحَيْنِ وَرُودِكُمْ وَ شَفِيعًا لِدَرْكِ طَلَبَتِكُمْ وَ جَنَّةً لِيَوْمِ فَرَعِكُمْ وَ مَصَابِيحَ لِبُطُونِ قُبُورِكُمْ وَ سَكَنًا لَطُولِ وَحْشَتِكُمْ وَ نَفْسًا لِكُرْبِ مَوَاطِنِكُمْ»(فراز ۵)

«بعد رفتاری (مرگ و اطاعت و بندگی خدا نمودن) (۱۰ نکته و توصیه)

خطبه ۱۹۵: «تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ، فَقَدْ نُوْدِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ، وَأَقْلُوا الْعُرْجَةَ [الْعُرْجَةَ] عَلَى الدُّنْيَا، وَانْقَلِبُوا بِصَالِحٍ مَا بَحَضَرَتْكُمْ مِنَ الزَّادِ، فَإِنَّ أَمَامَكُمْ عَقِبَةً كَثُودًا وَمَنَازِلَ مَخُوفَةً مَهُولَةً لَا بَدَّ مِنَ الْوُرُودِ عَلَيْهَا وَالْوُقُوفِ عِنْدَهَا. وَاعْلَمُوا أَنَّ مَلَا حِظَ الْمَنِيَّةِ نَحْوَكُمْ [دَائِبَةً] دَائِبَةً وَكَانَكُمْ بِمَخَالِبِهَا وَقَدْ نَشِبَتْ فِيكُمْ، وَقَدْ دَهَمَتْكُمْ فِيهَا مُفْطِعَاتُ الْأُمُورِ وَ [مُضْلِعَاتُ] مُعْضِلَاتُ الْمَحْذُورِ» (فراز ۱ و ۲)

«بعد رفتاری (فراز ۱)

«توصیف مرگ (فراز ۲) (چنگالهای مرگ)

«سه توصیه اخلاقی و رفتاری و چهار ضرورت: آمادگی مرگ (تجهیز شدن)

«نسبت بین دنیا، آخرت و مرگ

خطبه ۲۱۲ (خطبه تکاثریه): از سخنان امام (ع) که هنگام تلاوت آیات «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» بیان فرموده است: «يَا لَهُ مَرَامًا مَا أَبْعَدَهُ، وَ زُورًا مَا أَغْفَلَهُ، وَ خَطَرًا مَا أَفْطَعَهُ! لَقَدْ اسْتَخْلَوْا مِنْهُمْ أَى مَدَكِرٍ وَ تَنَاوَشَوْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ. أ فَبِمَصَارِعِ آبَائِهِمْ يَفْخَرُونَ؟ أَمْ بِعَدِيدِ الْهَلَكَى يَتَكَاثَرُونَ؟ يَرْتَجِعُونَ مِنْهُمْ أَجْسَادًا خَوَتْ وَ حَرَكَاتٍ سَكَنْتْ؛ وَ لَأَن يَكُونُوا عِبْرًا أَحَقُّ مِنْ أَن يَكُونُوا مُفْتَخَرًا، وَ لَأَن يَهْبِطُوا بِهِمْ جَنَابٌ ذَلَّةٌ أَحْجَى مِنْ أَن يَقُومُوا بِهِمْ مَقَامَ عِزَّةٍ. لَقَدْ نَظَرُوا إِلَيْهِمْ بِأَبْصَارِ الْعَشْوَةِ وَ ضَرَبُوا مِنْهُمْ فِي عُمُرِهِ جَهَالَةً؛» (فراز ۳ تا ۱۳)

«مردگان: مایه عبرت یا تفاخر؟؟؟؟»

«ضرورت عبرت گرفتن از گذشتگان (فراز ۱ تا ۳) (۱۳ عبارت)

«دوری از غفلت و رزیدن از احوال گذشتگان (فراز ۳ تا ۱۳)

« وَ لَوْ اسْتَنْطَقُوا عَنْهُمْ عَرَصَاتِ تِلْكَ الدِّيَارِ الْخَاوِيَةِ وَ الرُّبُوعِ الْخَالِيَةِ لَقَالَتْ ذَهَبُوا فِي الْأَرْضِ ضَلَالًا وَ ذَهَبْتُمْ فِي أَغْصَانِهِمْ جَهَالًا، تَطْتُونُ فِي هَامِيهِمْ وَ تَسْتَنْبِتُونَ فِي أَجْسَادِهِمْ وَ تَرْتَعُونَ فِيْمَا لَفْظُوا وَ تَسْكُنُونَ فِيْمَا خَرَبُوا، وَ إِنَّمَا الْأَيَّامُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ بَوَاكٍ وَ نَوَائِحٌ عَلَيْكُمْ. أَوْلَيْكُمْ سَلَفٌ غَايَتَكُمْ وَ قُرَاطٌ مَنَاهِلَكُمْ، الَّذِينَ كَانَتْ لَهُمْ مَقَاوِمُ الْعِزِّ وَ حَلَبَاتُ الْفَخْرِ، مُلُوكًا وَ سُوقًا، سَلَكُوا فِي بَطُونِ الْبَرْزَخِ سَبِيلًا سَلَّطَتِ الْأَرْضُ عَلَيْهِمْ فِيهِ، فَأَكَلَتْ مِنْ لُحُومِهِمْ وَ شَرِبَتْ مِنْ دِمَائِهِمْ، فَأَصْبَحُوا فِي فُجُوتِ قُبُورِهِمْ جَمَادًا لَا يَنْمُونَ وَ ضِمَارًا لَا يُوْجِدُونَ. لَا يَفْرَعُهُمْ وَرُودُ الْأُحْوَالِ وَ لَا يَحْزَنُهُمْ تَنَكُّرُ الْأَحْوَالِ وَ لَا يَحْفَلُونَ بِالرَّوَاكِفِ وَ لَا يَأْذَنُونَ لِلْقَوَاصِفِ، غَيْبًا لَا يُنْتَظَرُونَ وَ شُهُودًا لَا يَحْضُرُونَ، وَ إِنَّمَا كَانُوا جَمِيعًا فَتَشَتَّتُوا وَ [الْأَفَا] أَلَفًا فَافْتَرَقُوا؛ وَ مَا عَنْ طُولِ عَهْدِهِمْ وَ لَا بَعْدَ مَحَلِّهِمْ عَمِيَتْ أَخْبَارُهُمْ وَ صَمَّتْ دِيَارُهُمْ، وَ لَكِنَّهُمْ سَفُوحًا كَأَسَا بَدَلْتَهُمْ بِالنُّطْقِ خَرَسًا وَ بِالسَّمْعِ صَمَمًا وَ بِالْحَرَكَاتِ سَكُونًا، فَكَانَتْهُمْ فِي ارْتِجَالِ الصَّفَةِ صَرَغَى سَبَاتٍ، جِيرَانًا لَا يَتَأَنَسُونَ وَ أَحِبَاءً لَا يَتَزَاوَرُونَ. بَلِيَتْ بَيْنَهُمْ عُرَا النِّعَارِ وَ انْقَطَعَتْ مِنْهُمْ أَسْبَابُ الْإِخَاءِ، فَكُلُّهُمْ وَحِيدٌ وَ هُمْ جَمِيعٌ وَ بِجَانِبِ الْهَجْرِ وَ هُمْ أَخْلَاءٌ لَا يَتَعَارَفُونَ لِلَّيْلِ صَبَاحًا وَ لَا لِنَهَارٍ مَسَاءً أَى الْجَدِيدَيْنِ ظَلَعُوا فِيهِ كَانَ عَلَيْهِمْ سَرْمَدًا؛ شَاهَدُوا مِنْ أخطار دَارِهِمْ أَفْطَعَ مِمَّا خَافُوا وَ رَأَوْا مِنْ آيَاتِهَا أَعْظَمَ مِمَّا قَدَرُوا. [فَكَلَا] فَكَلْنَا الْغَايَتَيْنِ مَدَّتْ لَهُمْ إِلَى مَبَاءَةٍ فَاتَتْ مَبَالِغَ الْخَوْفِ وَ الرَّجَاءِ، فَلَوْ كَانُوا يَنْطَفِقُونَ بِهَا لَعَبُوا بِصَفَةِ مَا شَاهَدُوا وَ مَا عَانِيُوا. وَ لَكِنَّ عَمِيَتْ أَثَارُهُمْ وَ انْقَطَعَتْ أَخْبَارُهُمْ لَقَدْ رَجَعَتْ فِيهِمْ أَبْصَارُ الْعَبْرِ وَ سَمِعَتْ عَنْهُمْ أَذَانُ الْعُقُولِ وَ تَكَلَّمُوا مِنْ غَيْرِ جِهَاتِ النُّطْقِ، فَقَالُوا كُلِّحَتِ الْوُجُوهُ النَّوَاضِرُ وَ خَوَتْ الْأَجْسَامُ النَّوَاعِمُ وَ لَبَسْنَا أَهْدَامَ الْبَلَى وَ تَكَاءَدْنَا ضَيْقَ الْمَضْجَعِ وَ تَوَارَثْنَا الْوَحْشَةَ وَ [اتَهْدَمَتْ] تَهَكَّمَتْ عَلَيْنَا الرُّبُوعُ الصُّمُوتُ، فَانْمَحَتْ مَحَاسِنُ أَجْسَادِنَا وَ تَنَكَّرَتْ مَعَارِفُ صُورِنَا وَ طَالَتْ فِي مَسَاكِينِ الْوَحْشَةِ إِقَامَتُنَا وَ لَمْ نَجِدْ مِنْ كَرْبٍ فَرَجًا وَ لَا مِنْ ضَيْقٍ مَتَسَعًا؛ فَلَوْ مَثَلْتَهُمْ بِعَقْلِكَ أَوْ كَشِفَ عَنْهُمْ مَحْجُوبُ الْغِطَاءِ لَكَ وَ قَدْ ارْتَسَخَتْ أَسْمَاعُهُمْ بِالْهَوَامِّ فَاسْتَكَّتْ وَ اكْتَحَلَتْ أَبْصَارُهُمْ بِالثَّرَابِ، فَخَسَفَتْ وَ تَقَطَّعَتْ الْأَلْسِنَةُ فِي أَفْوَاهِهِمْ بَعْدَ ذَلَالَتِهَا وَ هَمَدَتِ الْقُلُوبُ فِي صُدُورِهِمْ بَعْدَ يَقْظَتِهَا وَ عَاثَ فِي كُلِّ جَارِحَةٍ مِنْهُمْ جَدِيدٌ بَلَى سَمَّجَهَا وَ سَهَّلَ طَرُقَ الْآفَةِ إِلَيْهَا مُسْتَسْلِمَاتٍ، فَلَا أَيْدٍ تَدْفَعُ وَ لَا قُلُوبَ تَجْزَعُ، لَرَأَيْتُ أَشْجَانَ قُلُوبٍ وَ أَقْدَاءَ عَيُونٍ، لَهُمْ فِي كُلِّ قَضَاعَةٍ صَفَةُ حَالٍ لَا تَنْتَقِلُ وَ عُمُرَةٌ لَا تَتَجَلَّى. فَكَمْ أَكَلَتْ الْأَرْضُ مِنْ عَزِيرِ جَسَدٍ وَ أَنْبَقَ لَوْنٌ، كَانَ فِي الدُّنْيَا غَذًى تَرَفٍّ وَ رَبِيبَ شَرَفٍ؛ يَتَعَلَّلُ بِالسُّرُورِ فِي سَاعَةِ حُزْنِهِ وَ يَقْرَعُ إِلَى السَّلَوةِ، إِنْ مُصِيبَةٌ نَزَلَتْ بِهِ ضَنًّا بِغَضَارَةِ عَيْشِهِ وَ شَحَاحَةً بِلَهْوِهِ وَ لَعِبِهِ؛ فَبَيْنَا هُوَ يَضْحَكُ إِلَى الدُّنْيَا وَ تَضْحَكُ إِلَيْهِ فِي ظِلِّ عَيْشٍ غَفُولٍ، إِذْ وَطِئَ الدَّهْرُ بِهِ حَسَكَهُ وَ نَقَضَتْ الْأَيَّامُ قُوَاهُ وَ نَظَرَتْ إِلَيْهِ الْحُتُوفُ مِنْ كَثَبٍ، فَخَالَطَهُ بَثٌّ لَا يَعْرِفُهُ وَ نَجَى هُمَّ مَا كَانَ يَجِدُهُ وَ تَوَلَّدَتْ فِيهِ فِتْرَاتٌ عِلَلٍ آتَسَ مَا كَانَ بِصِحَّتِهِ، فَفَرَعَ إِلَى مَا كَانَ عَوْدَهُ الْأَطِبَاءُ مِنْ تَسْكِينِ الْحَارِّ بِالْقَارِّ وَ تَحْرِيكِ الْبَارِدِ

بِالْحَارِّ، فَلَمْ يُطْفِئْ بِبَارِدٍ إِلَّا ثَوْرَ حَرَارَةٍ وَ لَا حَرَكَ بِحَارٍّ إِلَّا هَيَّجَ بُرُودَةً وَ لَا اعْتَدَلَ بِمَمَازِجٍ لِتِلْكَ الطَّبَائِعِ إِلَّا أَمَدَّ مِنْهَا كُلَّ ذَاتِ دَاءٍ، حَتَّى قَتَرَ مَعْلَلَهُ وَ ذَهَلَ مَمَرُّهُ وَ تَعَايَا أَهْلُهُ بِصَفَةِ دَائِهِ وَ خَرَسُوا عَنْ جَوَابِ السَّالِّينَ عَنْهُ وَ تَنَازَعُوا دُونَهُ شَجِيَّ خَبَرٍ يَكْتُمُونَهُ. فَقَائِلٌ يَقُولُ هُوَ لِمَا بِهِ وَ مَمَّنْ لَهُمْ إِيَابَ عَافِيَتِهِ وَ مَصْبَرٌ لَهُمْ عَلَى فَقْدِهِ يُذَكِّرُهُمْ أَسَى الْمَاضِينَ مِنْ قَبْلِهِ، فَبَيْنَا هُوَ كَذَلِكَ عَلَى جَنَاحٍ مِنْ فِرَاقِ الدُّنْيَا وَ تَرَكَ الْأَحْبَةَ إِذْ عَرَضَ لَهُ عَارِضٌ مِنْ غُصَصِهِ، فَتَحَيَّرَتْ نَوَافِذُ فُطْنَتِهِ وَ يَبَسَتْ رَطُوبَةُ لِسَانِهِ؛ فَكَمْ مِنْ مُهِمٍّ مِنْ جَوَابِهِ عَرَفَهُ فَعَى عَنْ رَدِّهِ، وَ دَعَاءِ مُؤَلِّمٍ بِقَلْبِهِ سَمِعَهُ فَتَصَامَّ عَنْهُ، مِنْ كَبِيرٍ كَانَ يُعْظِمُهُ أَوْ صَغِيرٍ كَانَ يَرْحَمُهُ. وَ إِنِ لِلْمَوْتِ لَعَمْرَاتٍ هِيَ أَفْطَعُ مِنْ أَنْ تُسْتَغْرَقَ بِصِفَةِ أَوْ نَعْتَدِلَ عَلَى عُقُولِ أَهْلِ الدُّنْيَا.» (فراز ۴ تا ۱۷)

*گذشتگان (فراز ۴ تا ۱۴) (۵۷ عبارت)

*منابع عبرت آموزی: چشم و گوش و زبان (فراز ۱۰)

*چگونگی مردن (فراز ۱۵ و ۱۶) (۱۶ عبارت)

*جمع بندی سكرات (غمرات) مرگ : فراز ۱۷ (دوجمله)

خطبه ۲۱۷: «وَأَعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّكُمْ وَ مَا أَنْتُمْ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الدُّنْيَا عَلَى سَبِيلٍ مَنْ قَدْ مَضَى قَبْلَكُمْ مِمَّنْ كَانَ أَطْوَلَ مِنْكُمْ أَعْمَارًا وَ أَعْمَرَ دِيَارًا وَ أَبْعَدَ آثَارًا أَصْبَحَتْ أَصْوَاتُهُمْ هَامِدَةً وَ رِيَاحُهُمْ رَاكِدَةً وَ أَجْسَادُهُمْ بَالِيَةً وَ دِيَارُهُمْ خَالِيَةً وَ آثَارُهُمْ عَافِيَةً فَاسْتَبْدَلُوا بِالْقُصُورِ الْمَشِيدَةِ وَ التَّمَارِقِ الْمُمَهَّدَةِ الصُّخُورَ وَ الْأَحْجَارَ الْمُسْنَدَةَ وَ الْقُبُورَ اللَّاطِنَةَ الْمُلْحَدَةَ الَّتِي قَدْ بَنَى بِالْخَرَابِ فَنَاوُهَا وَ شِيدَ بِالتُّرَابِ بِنَاوُهَا فَمَحَلُّهَا مُقْتَرِبٌ وَ سَاكِنُهَا مُعْتَرِبٌ بَيْنَ أَهْلِ مَحَلِّهِ مُوحِشِينَ وَ أَهْلِ فِرَاقٍ مُتَشَاغِلِينَ لَا يَسْتَأْنِسُونَ بِالْأَوْطَانِ وَ لَا يَتَوَاصِلُونَ تَوَاصِلَ الْجِيرَانِ عَلَى مَا بَيْنَهُمْ مِنْ قُرْبِ الْجَوَارِ وَ دُتُو الدَّارِ وَ كَيْفَ يَكُونُ بَيْنَهُمْ تَزَاوُرٌ وَ قَدْ طَحَنَهُمْ بِكُلِّكَلِهِ الْبَلَى وَ أَكَلَتْهُمْ الْجَنَادِلُ وَ الثَّرَى وَ كَانَ قَدْ صِرْتُمْ إِلَى مَا صَارُوا إِلَيْهِ وَ ارْتَهَنَكُمْ ذَلِكَ الْمَضْجَعُ وَ ضَمَّكُمْ ذَلِكَ الْمُسْتَوْدَعُ فَكَيْفَ بِكُمْ لَوْ تَنَاهَتْ بِكُمْ الْأُمُورُ وَ بَعَثَتْ الْقُبُورُ (هُنَالِكَ تَبْلُوْا كُلُّ نَفْسٍ مَا أَسْلَفَتْ وَ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقُّ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ)» (فراز ۷ تا ۳)

*عبرت گرفتن از گذشتگان (۲۸ نکته و عبارت)

خطبه ۲۲۱: «وَ بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ، عُمْرًا نَاقِصًا، أَوْ مَرَضًا حَاسِبًا، أَوْ مَوْتًا خَالِسًا. فَإِنَّ الْمَوْتَ هَادِمٌ لَذَاتِكُمْ وَ مُكَدِّرٌ شَهَوَاتِكُمْ وَ مُبَاعِدٌ طَيِّبَاتِكُمْ؛ زَائِرٌ غَيْرٌ مُحْبُوبٍ وَ قَرْنٌ غَيْرٌ مَغْلُوبٍ وَ وَاتِرٌ غَيْرٌ مَطْلُوبٍ؛ قَدْ أَعْلَقْتَكُمْ حَبَائِلُهُ وَ تَكَنَّفَتْكُمْ غَوَائِلُهُ وَ أَفْصَدَتْكُمْ مَعَابِلُهُ وَ عَظُمَتْ فِيكُمْ سَطَوَتُهُ وَ تَتَابَعَتْ عَلَيْكُمْ عُدُوتُهُ وَ قَلَّتْ عَنْكُمْ نُبُوتُهُ؛ فَيُوشِكُ أَنْ تَغْشَاكُمْ دَوَاجِي ظُلْمِهِ وَ احْتِدَامُ عِلَلِهِ وَ حَنَادِسُ عَمَرَاتِهِ وَ غَوَاشِي سَكَرَاتِهِ وَ أَلِيمُ إِرْهَاقِهِ وَ دَجُوْ أَطْبَاقِهِ وَ [خُشُونَةُ] جُشُونَةِ مَذَاقِهِ؛ فَكَأَنَّ قَدْ أَتَاكُمْ بَغْتَةً، فَاسْكُتْ نَجِيَّتُكُمْ وَ فَرِّقْ نَدِيَّتُكُمْ وَ عَقَى آثَارَكُمْ وَ عَطَلْ دِيَارَكُمْ، وَ بَعَثْ وَرَائَكُمْ يَفْتَسِمُونَ تَرَائِكُمْ بَيْنَ حَمِيمٍ خَاصٍّ لَمْ يَنْفَعْ، وَ قَرِيبٍ مَحْزُونٍ لَمْ يَمْنَعْ، وَ آخِرَ شَامِتٍ لَمْ يَجْزَعْ» (فراز ۵ تا ۳)

*نسبت بین تقوی و مرگ

*بعد رفتاری (و بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ، (فراز ۳) وسه ضرورت آن (عمر، مرض و مرگ)

*توصیف مرگ: شش ویژگی (فراز ۳)

*یکی از مشخصات مرگ (فَإِنَّ الْمَوْتَ هَادِمٌ لَذَاتِكُمْ)

*توصیف مرگ (۱۳ مورد) (فراز ۴) به منزله تکمله ضرورت بعد رفتاری در فراز ۳

*توصیف مرگ (۵ مورد) (فراز ۵) به منزله تکمله ضرورت بعد رفتاری در فراز ۳

*تیر مرگ

«وَ أَصْبَحَتْ مَسَاكِينُهُمْ أَجْدَاثًا وَ أَمْوَالُهُمْ مِيرَاثًا، لَا يَعْرِفُونَ مَنْ أَتَاهُمْ وَ لَا يَحْفِلُونَ مَنْ بَكَاهُمْ وَ لَا يُجِيبُونَ مَنْ دَعَاهُمْ» (فراز ۷)

*گذشتگان (۵ عبارت)

خطبه ۲۳۰: «وَأَوْصِيَكُمْ بِذِكْرِ الْمَوْتِ وَ إِفْلَالِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ، وَ كَيْفَ غَفَلْتُمْ عَمَّا لَيْسَ يُغْفَلُكُمْ وَ طَمَعْتُمْ فِيَمَنْ لَيْسَ يَمْهَلُكُمْ؛ فَكَفَى وَاعِظًا بِمَوْتِي عَايَنْتُمُوهُمْ، حُمِلُوا إِلَى قُبُورِهِمْ غَيْرَ رَاكِبِينَ وَ أُنْزِلُوا فِيهَا غَيْرَ نَازِلِينَ، فَكَأَنَّهُمْ [كَانَهُمْ] لَمْ يَكُونُوا لِلدُّنْيَا عَمَارًا وَ كَانَ الْآخِرَةُ لَمْ تَزَلْ

لَهُمْ دَارًا، أَوْ حَشَوْا مَا كَانُوا يُوطِنُونَ وَ أَوْطِنُوا مَا كَانُوا يُوحِشُونَ، وَ اسْتَغْلَوْا بِمَا فَارَقُوا وَ أَضَاعُوا مَا إِلَيْهِ انْتَقَلُوا، لَا عَنْ قَبِيحٍ يَسْتَطِيعُونَ انْتِقَالًا وَ لَا فِي حَسَنِ يَسْتَطِيعُونَ اَزْدِيَادًا، اُنْسُوا بِالدُّنْيَا فَغَرَّتْهُمْ وَ وَثِقُوا بِهَا فَصَرَعَتْهُمْ» (فراز ۳ تا ۵)

*نسبت بین تقوی و مرگ (ساختار خطبه)

*یادآوری مرگ (اهمیت موضوع: عبارت وصیت می کنم)

*دوری از غفلت نسبت به مرگ و دوزورت آن

*اهمیت بعدموعظه ای (پندگیری) مرگ (وَاعْظَا بِمَوْتِي...) (فراز ۴) مرگ برای موعظه بودن کفایت می کند

*چگونگی مردن (فراز ۴) (۵ عبارت)

*احوال گذشتگان (فراز ۵) (۸ عبارت)

خطبه ۲۳۲: «وَ بَادِرُوا الْمَوْتَ وَ عَمَرَاتِهِ وَ امْهَدُوا لَهُ قَبْلَ حُلُولِهِ وَ اَعِدُّوا لَهُ قَبْلَ نَزُولِهِ، فَإِنَّ الْغَايَةَ الْقِيَامَةَ وَ كَفَى بِذَلِكَ وَاعِظًا لِمَنْ عَقَلَ وَ مُعْتَبَرًا لِمَنْ جَهَلَ، وَ قَبْلَ بُلُوغِ الْغَايَةِ مَا تَعْلَمُونَ مِنْ ضَيْقِ الْأَرْمَاسِ وَ شِدَّةِ الْإِبْلَاسِ وَ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ رَوَعَاتِ الْفَزَعِ وَ اخْتِلَافِ الْأَضْلَاعِ وَ اسْتِكَاكِ الْأَسْمَاعِ وَ ظُلْمَةِ اللَّحْدِ وَ خِيفَةِ الْوَعْدِ وَ غَمِّ الصَّرِيحِ وَ رَدَمِ الصَّفِيحِ» (فراز ۳ و ۴)

*نسبت تقوی و مرگ (باتوجه به ساختار خطبه)

*سه توصیه اخلاقی (وَ بَادِرُوا الْمَوْتَ وَ..... وَ امْهَدُوا لَهُ..... وَ اَعِدُّوا لَهُ.....) (زیرا قیامت (هنگام پاداش

و کیفر) پایان کار است (و مرگ اول منزل آن می باشد)

*مبادرت ورزیدن به مرگ

*مرگ برای موعظه بودن کفایت می کند (وَاعِظًا)

*توصیف مرگ (۲ ویژگی) (بس است مرگ پند دهنده برای خردمند، و عبرت برای نادان و غافل)

*چگونگی مردن (فراز ۴) ۱۰ عبارت

«فَارْعَوْا عِبَادَ اللَّهِ مَا بِرِعَايَتِهِ يَفُوزُ فَائِزُكُمْ وَ بِإِضَاعَتِهِ يَخْسِرُ مَبِطِلُكُمْ، وَ بَادِرُوا أَجَالَكُمْ بِأَعْمَالِكُمْ فَإِنَّكُمْ مَرْتَهَنُونَ بِمَا أَسْلَفْتُمْ وَ مَدِينُونَ بِمَا قَدَّمْتُمْ، وَ كَانَ قَدْ نَزَلَ بِكُمْ الْمَخَوْفُ، فَلَا رَجْعَةَ تَنَالُونَ أَتَنَالُونَ أَوْ لَا عَثْرَةَ تَقَالُونَ» (فراز ۸)

*بعد رفتاری

*به مرگ با اعمالتان مبادرت ورزید

*دو توصیه اخلاقی و رفتاری و ۲ ضرورت آن

*توصیف مرگ (یک جمله از فراز ۹) مرگ شما را دریافته

خطبه ۲۳۷: «فَاعْمَلُوا وَ..... قَبْلَ أَنْ يَخْمَدَ الْعَمَلُ وَ يَنْقَطِعَ الْمَهْلُ وَ يَنْقَضِيَ الْأَجَلُ» (فراز ۱)

*بعد رفتاری (کار کنید: عمل در فرصت دنیا) و سه ضرورت آن :

*نسبت بین مهلت، اجل و عمل

بخش دوم : نامه ها (۷ نامه):

نامه ۳: «يَا شَرِيحُ أَمَا إِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَ لَا يَسْأَلُكَ عَنْ بَيِّنَتِكَ، حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْهَا شَاخِصًا وَ يُسَلِّمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا» (فراز ۲)

*معرفی ملک الموت

نامه ۲۲: «وَ مَا نِلْتَ مِنْ دُنْيَاكَ فَلَا تُكْثِرْ بِهِ فَرَحًا، وَ مَا فَاتَكَ مِنْهَا فَلَا تَأْسَ عَلَيْهِ جَزَعًا، وَ لِيَكُنْ هَمُّكَ بَعْدَ الْمَوْتِ» (فراز ۲)

*جملات مشابه در نامه ۶۶

نامه ۶۶: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ [الْعَبْدَ] الْمَرْءَ لَيَفْرَحُ بِالشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَيَفُوتُهُ، وَ يَحْزَنُ عَلَى الشَّيْءِ الَّذِي لَمْ يَكُنْ لَيُصِيبُهُ؛ فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا نَلْتَفِي نَفْسِكَ مِنْ دُنْيَاكَ بُلُوغُ لَذَّةٍ أَوْ شِفَاءُ غَيْظٍ، وَ لَكِنْ إِطْفَاءُ بَاطِلٍ [أَوْ] إِحْيَاءُ حَقٍّ؛ وَ لَيَكُنْ سُرُورُكَ بِمَا قَدَّمْتَ وَ أَسْفَكَ عَلَى مَا خَلَفْتَ وَ هَمَّكَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ» (فراز ۱ و ۲)

*بعد رفتاری (همت خود را معطوف بعد از مرگ کن)

نامه ۲۷: «فَاحْذَرُوا عِبَادَ اللَّهِ الْمَوْتَ وَ قُرْبَهُ وَ أَعِدُّوا لَهُ عِدَّتَهُ، فَإِنَّهُ يَأْتِي بِأَمْرِ عَظِيمٍ وَ خَطْبٍ جَلِيلٍ، بِخَيْرٍ لَا يَكُونُ مَعَهُ شَرٌّ أَبَدًا أَوْ شَرٌّ لَا يَكُونُ مَعَهُ خَيْرٌ أَبَدًا؛ فَمَنْ أَقْرَبَ إِلَى الْجَنَّةِ مِنْ عَامِلِهَا وَ مَنْ أَقْرَبَ إِلَى النَّارِ مِنْ عَامِلِهَا؟ وَ أَنْتُمْ طُرْدَاءُ الْمَوْتِ، إِنْ أَقَمْتُمْ لَهُ أَخَذَكُمْ وَ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ وَ هُوَ أَلَزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ، الْمَوْتُ مَعْقُودٌ بِنَوَاصِيكُمْ وَ الدُّنْيَا تُطَوَّى مِنْ خَلْفِكُمْ» (فراز ۵ و ۶)

*تکرار سه بار کلمه مرگ

*توصیه اخلاقی و رفتاری: ۱) برحذر بودن از مرگ (از مرگ بترسید)

*۲) بعد رفتاری (آمادگی برای مرگ داشته باشید) استعداد

*و چهار ضرورت (دومورد مربوط به مرگ)

*توصیف مرگ (فراز ۶) وَ أَنْتُمْ طُرْدَاءُ الْمَوْتِ وَ شما رانده های مرگ هستید، (بیان ۴ ویژگی آن)

نامه ۳۱: «مِنْ الْوَالِدِ الْفَانِ.....إِلَى الْمَوْلُودِ.....وَ أَسِيرِ الْمَوْتِ...وَ خَلِيفَةِ الْأَمْوَاتِ» (فراز ۱)

*معرفی امام علی (ع) پدر و امام حسن (ع) فرزند از دریچه موضوع مرگ

«ذَلَّلَهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ» (فراز ۵)

*یادآوری مرگ

«وَسِرَ فِي دِيَارِهِمْ وَ آثَارِهِمْ، فَانْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا وَ عَمَّا انْتَقَلُوا وَ آيْنَ حَلُّوا وَ نَزَلُوا، فَإِنَّكَ تَجِدُهُمْ قَدْ انْتَقَلُوا عَنِ الْأَحْيَةِ وَ حَلُّوا دِيَارَ الْغُرْبَةِ وَ كَانَتْكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ» (فراز ۶)

*عبرت از گذشتگان (۷ عبارت)

«فَأَصْلَحْ مَثْوَاكَ وَ لَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ» (فراز ۷)

*بعد رفتاری (۲ مورد)

«فَتَفَهَّمْ يَا بَنِي وَصِيَّتِي وَ اعْلَمْ أَنَّ مَالِكَ الْمَوْتِ هُوَ مَالِكُ الْحَيَاةِ، وَ أَنَّ الْخَالِقَ هُوَ الْمُمَيِّتُ وَ أَنَّ الْمُفْنِي هُوَ الْمُعِيدُ وَ أَنَّ الْمُبْتَلَى هُوَ الْمُعَافَى، وَ أَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ لِيَسْتَقِرَّ إِلَّا عَلَى مَا جَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ مِنَ النِّعَمَاءِ وَ الْإِيتِلَاءِ وَ الْجَزَاءِ فِي الْمَعَادِ أَوْ مَا شَاءَ مِمَّا لَا تَعْلَمُ» (فراز ۱۹)

*توصیف مرگ: خدا تعیین کننده و مالک مرگ

«وَاعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ عَقِبَهُ كَنُودًا الْمُخَفُّ فِيهَا أَحْسَنُ حَالًا مِنَ الْمُثْقَلِ، وَ الْمُبْطِيُّ عَلَيْهَا أَفْبَحُ [أَمْرًا] حَالًا مِنَ الْمُسْرِعِ، وَ أَنَّ [مَهْبطَهَا بِكَ] مَهْبطُكَ بِهَا لَا مَحَالَةَ إِمَّا عَلَى جَنَّةٍ أَوْ عَلَى نَارٍ؛ فَارْتُدْ لِنَفْسِكَ قَبْلَ نَزُولِكَ وَ وَطِي الْمَنْزِلَ قَبْلَ حُلُولِكَ، فَلَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ وَ لَا إِلَى الدُّنْيَا مُنْصَرَفٌ» (فراز ۳۳)

*جمع بندی و بیانیه (فراز ۳۳)

«وَاعْلَمْ يَا بَنِي أَنَّكَ إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا، وَ لِلْفَنَاءِ لَا لِلْبَقَاءِ، وَ لِلْمَوْتِ لَا لِلْحَيَاةِ؛ وَ أَنَّكَ فِي [مَنْزِلٍ] قُلْعَةٍ وَ دَارٍ بُلْعَةٍ وَ طَرِيقٍ إِلَى الْآخِرَةِ، وَ أَنَّكَ طَرِيدُ الْمَوْتِ الَّذِي لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبُهُ وَ لَا يَقُوتُهُ طَالِبُهُ وَ لَا يَدَّ أَنَّهُ مُدْرِكُهُ، فَكُنْ مِنْهُ عَلَى حَذَرٍ أَنْ يُدْرِكَكَ وَ أَنْتَ عَلَى حَالٍ سَيِّئَةٍ قَدْ كُنْتَ تُحَدِّثُ نَفْسَكَ مِنْهَا بِالتَّوْبَةِ، فَيَحُولُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ ذَلِكَ، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ أَهْلَكْتَ نَفْسَكَ. يَا بَنِي أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ ذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ وَ تَفْضِي بَعْدَ الْمَوْتِ إِلَيْهِ، حَتَّى يَأْتِيَكَ وَ قَدْ أَخَذَتْ مِنْهُ حِذْرَكَ وَ شَدَدَتْ لَهُ أَرْكَ، وَ لَا يَأْتِيكَ بَعْتُهُ فَيَبْهَرُكَ» (فراز ۳۸ تا ۴۰)

*فراز ۳۸: جمع بندی

*توصیف مرگ: هدف و فلسفه خلقت انسان

*تکرار چندین مرتبه عبارت ذیل: إِنَّمَا خُلِقْتَ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا،

❖ آمادگی مرگ

❖ توصیف مرگ: تورانده مرگ هستی (۳ویژگی آن)

❖ فراز ۳۹) برحذر بودن از مرگ در زمان ارتکاب گناه

❖ فراز ۴۰ یادآوری مرگ

نامه ۴۵: «وَمَا أَصْنَعُ بِفَدَكٍ وَ غَيْرِ فَدَكٍ؟ وَ النَّفْسُ مَطَّأُهَا فِي عَدَدٍ جَدَتْ تَنْقَطِعُ فِي ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِيبُ أَخْبَارُهَا، وَ حُفْرَةُ لَوْ زِيدَ فِي فُسْحَتِهَا وَ أَوْسَعَتْ يَدَا حَافِرِهَا لَأَضَعَطَهَا الْحَجَرُ وَ الْمَدَرُ وَ سَدَّ فَرْجُهَا التُّرَابُ الْمُتَرَاكِمُ. وَ إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى، لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَائِبِ الْمَزَلِكِ» (فراز ۵)

❖ احوال قبر (۵ویژگی)

❖ توصیه اخلاقی و رفتاری: تربیت نفس با تقوی برای آسوده بودن در قیامت و استوار ماندن از لغزشگاه

«إِلَيْكَ عَنِّي يَا دُنْيَا، فَحَبْلُكَ عَلَى غَارِبِكَ، قَدْ انْسَلَلْتُ مِنْ مَخَالِيكَ وَ أَفْلَتُ مِنْ حَبَائِلِكَ وَ اجْتَنَبْتُ الذَّهَابَ فِي مَدَاحِصِكَ» (فراز ۱۰)
اَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِينَ غَرَّرْتَهُمْ بِمَدَائِعِكَ؟ اَيْنَ الْأُمَمُ الَّذِينَ فَتَنَتْهُمْ بِزَخَائِفِكَ؟ فَهَا هُمْ رَهَائِنُ الْقُبُورِ وَ مَضَامِينُ اللَّحُودِ.

❖ گذشتگان (۸عبارت)

نامه ۶۹: «وَ أَكْثَرَ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ لَا تَتَمَنَّ الْمَوْتَ إِلَّا بِشَرْطٍ وَثِيقٍ» (فراز ۲)

❖ ۲توصیه اخلاقی: ۱) یاد مرگ بودن و پس از آن (قبر و غیره) و ۲) شرط آرزو کردن مرگ

«وَ إِيَّاكَ أَنْ يَنْزِلَ بِكَ الْمَوْتُ وَ أَنْتَ أَبَقٍ مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا» (فراز ۸)

❖ اطاعت و بندگی خدا

بخش سوم: کلمات قصار و حکمت ها (۱۵ حکمت):

حکمت ۱۸: «مَنْ جَرَى فِي عِنَانِ أَمَلِهِ عَثَرَ بِأَجَلِهِ» (غفلت نورزیدن از مرگ)

حکمت ۲۸: «إِذَا كُنْتَ فِي إِدْبَارٍ وَ الْمَوْتُ فِي إِقْبَالٍ فَمَا أَسْرَعَ الْمُلتَقَى» (در یاد مرگ بودن)

حکمت ۳۰ (ارکان ایمان): «مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ» (بعد رفتاری: لازمه انتظار مرگ شتافتن به نیکوکاری هاست)

حکمت ۷۱: «نَفْسُ الْمَرْءِ خُطَاهُ إِلَى أَجَلِهِ» (در نزدیکی مرگ)

حکمت ۱۱۸: «وَ قَدْ تَبِعَ جِنَازَهُ فَسَمِعَ رَجُلًا يَضْحَكُ فَقَالَ (عليه السلام) كَأَنَّ الْمَوْتَ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا كُتِبَ وَ كَانَ الْحَقُّ فِيهَا عَلَى غَيْرِنَا وَ جَبَ وَ كَانَ الَّذِي نَرَى مِنَ الْأَمْوَاتِ سَفَرٌ عَمَّا قَلِيلٍ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ نُبَوِّئُهُمْ أَجْدَانَهُمْ وَ نَأْكُلُ تَرَائِيَهُمْ كَأَنَّا مُخْلَدُونَ بَعْدَهُمْ ثُمَّ نَسِينَا كُلَّ وَاعِظٍ وَ أَعْطَاهُ وَ رَمِينَا بِكُلِّ جَائِحَةٍ طَوْبَى لِمَنْ ذَلَّ فِي نَفْسِهِ وَ طَابَ كَسْبُهُ وَ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَ حَسُنَتْ خَلِيقَتُهُ وَ أَنْفَقَ الْفَضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفَضْلَ مِنْ لِسَانِهِ وَ عَزَلَ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ وَ وَسِعَتْهُ السَّنَةُ وَ لَمْ يَنْسَبْ إِلَى بِدْعَةٍ

❖ یاد گذشتگان (۸ عبارت)

❖ بعد رفتاری (فراز ۲)

حکمت ۱۲۱: «وَ عَجِبْتُ لِمَنْ نَسِيَ الْمَوْتَ وَ هُوَ يَرَى مَنْ يَمُوتُ» (فراز ۴) (غفلت و فراموشی مرگ)

حکمت ۱۲۵: «رَجَعَ مِنْ صَفَيْنَ فَاشْرَفَ عَلَى الْقُبُورِ بِظَاهِرِ الْكُوفَةِ يَا أَهْلَ الدِّيَارِ الْمُوحِشَةِ وَ الْمَحَالِّ الْمُقْفِرَةِ وَ الْقُبُورِ الْمُظْلِمَةِ يَا أَهْلَ التَّرْبَةِ يَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْدَةِ يَا أَهْلَ الْوَحْشَةِ أَنْتُمْ لَنَا قَرِطٌ سَابِقٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ لَاحِقٌ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنْتَ وَ أَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نَكَحْتَ وَ أَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قَسِمْتَ هَذَا خَيْرٌ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَبَرَ مَا عِنْدَكُمْ ثُمَّ التَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ أَمَّا لَوْ أَدِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لِأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى» (فراز ۱ و ۲)

امام (ع) هنگامیکه از (جنگ) صفین بازگشت و به گورستان بیرون کوفه رسید (در باره پرهیزکاری) خطاب به گذشتگان (مردگان) (۱۳ جمله)

حکمت ۱۲۷: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَكًا يُنَادِي فِي كُلِّ يَوْمٍ لِدُؤَا لِلْمَوْتِ وَاجْمَعُوا لِلْفَنَاءِ وَابْنُوا لِلْخَرَابِ» (نسبت بین دنیا و مرگ)
حکمت ۱۴۲: «وَهُوَ أَحَدُهُمْ يَكْرِهُ الْمَوْتَ لِكَثْرَةِ ذُنُوبِهِ وَيَقِيمُ عَلَى مَا يَكْرَهُ الْمَوْتَ لَهُ» (فراز ۲) (کراهت از مرگ شده)
«وَالْغُرْمُ مَغْنَمًا يَخْشَى الْمَوْتَ وَ لَا يُبَادِرُ الْفَوْتَ» (فراز ۵)

حکمت ۱۹۴: «بَادِرُوا الْمَوْتَ الَّذِي إِنْ هَرَبْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ وَ إِنْ أَقَمْتُمْ أَخَذَكُمْ وَ إِنْ نَسِيتُمْوهُ ذَكَرَكُمْ»

*بعد رفتاری: مبادرت به مرگ (بر مرگ پیشی گیرید)

*اطاعت و بندگی خدا

*توصیف مرگ (سه ویژگی)

حکمت ۳۲۸: «لَوْ رَأَى الْعَبْدُ الْأَجَلَ وَ مَسِيرَهُ لَأَبْغَضَ الْأَمَلَ وَ غُرُورَهُ» (درباره آرزو)

*بعد رفتاری (کارکرد توجه به اجل: دشمنی با آرزوها)

حکمت ۳۴۹: «قَوْمًا عَنْ مَيِّتٍ مَاتَ لَهُمْ فَقَالَ إِنْ هَذَا الْأَمْرُ لَيْسَ لَكُمْ بَدَأٌ وَ لَا إِلَيْكُمْ أَنْتَهَى وَ قَدْ كَانَ صَاحِبُكُمْ هَذَا يُسَافِرُ فَعُدُّوهُ فِي بَعْضِ أَسْفَارِهِ فَإِنْ قَدِمَ عَلَيْكُمْ وَ إِلَّا قَدِمْتُمْ عَلَيْهِ» (گروهی را از کسی که از آنها مرده بود تسلیت داده امر به شکیبایی نمود و در باره مرگ فرمود)

حکمت ۳۸۶: «وَ أَذْكَرُ قَبْرَكَ» (رفتاری (در باره فروتنی)

حکمت ۴۱۱: «مَسْكِينٌ ابْنُ آدَمَ مَكْتُونٌ الْأَجَلِ» (در بیچارگی انسان که اجلش پنهان است)

حکمت ۴۲۵: «اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ وَ بَقَاءَ التَّيْبَعَاتِ»

*یادآوری (ذکر) مرگ

*توصیف مرگ : بریده شدن لذات و گناهان

بحث و نتیجه گیری:

مرگ نخستین گام ورور انسان به جهان آخرت و دگرگون کننده زندگی اوست. مرگ براساس معارف اسلامی امری حق، حتمی و برگشت به سوی خدا برای پس دادن حساب اعمال معرفی شده و عبارت است از انتقال انسان از زندگی دنیایه زندگی ابدی آخرت. معنویت به عنوان زیربنای باورها، یک جنبه‌ی مهم از زندگی است. باورهای به زندگی اخروی بخشی از سرمایه معنوی تلقی می شود. «آموزه‌های اسلامی ماهیت خوشایندی با عنوان «مرگ بانشاط» ارائه می دهد که پیامد سلامت معنوی است. رویکرد تدارک مرگ بانشاط بر پویایی ترسی ارزشی آمیخته با امید به رحمت الهی تمرکز دارد (عبدالکریمی و همکاران، ۱۴۰۰). «یادآوری مرگ و قیامت»، از جمله روشهایی است که میتوان با به کارگیری آن، نقش مهمی را در تعمیق سلامت معنوی فرد ایفا نماید؛ چراکه فرد با یادآوری مرگ و قیامت میتواند هر لحظه از زندگی اش، خود را در پیشگاه خداوند ببیند. شاید بتوان گفت که مهمترین روش عام تربیت در سیره و کلام امام علی (ع) یادآوری مرگ و قیامت (جهان پس از آن) است. امام علی (ع) در عمل و گفتار تأثیر مرگ و قیامت را در تعمیق سلامتی معنوی به طور ماهرانه ای بیان میکند. امام علی (ع) بر لزوم مرگ آگاهی و توجه به مرگ تأکید می ورزد و می کوشد تا انسان ها را از طریق شناخت درست حقیقت مرگ به شناخت خود و به تبع آن، به فهم معنای زندگی رهنمون سازد. بنابراین یاد مرگ و دریافت درست از مرگ به فهم معناداری زندگی می انجامد. آثار مرگ اندیشی دست یابی به نتایجی چون معنابخشی به زندگی انسان، تزریق عنصر حرکت به آن، قدر نهادن فرصت زندگی، افزایش صبر و بردباری در برابر ناملایمات، التزام به هنجارهای اخلاقی، کاهش جرایم و فساد، و وجود رابطه متقابل میان یاد مرگ و آثار آن است. مرگ اندیشی و توجه به قطعیت مرگ عاملی برای رها شدن انسان از تعلقات دنیوی و به نوعی آماده شدن برای ورود به عالم حساب است. چنین اندیشه‌ای می تواند عامل معنا بخش به حیات و زندگی دنیوی باشد تا با تغییر نگرش انسان ها و سوق دادن آن ها به سوی واقع نگری، جامعه‌ای عدالت طلب و اخلاق گرا را ایجاد کند. براساس سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه، در مجموع تأمل و تفکر در باب مرگ، زندگی انسان را هدفمند کرده، موجب معناداری زندگی شده و با

ساماندهی زندگی انسانها، فهم ارزش حیات را در آنها تقویت کرده و با پرهیز از دنیاطلبی و عبرت گرایی، آخرت گرایی و عدالت طلبی را در آنها زنده کرده و نهایتاً انسانها را آماده برای سفر آخرت میکند.

هدف پژوهش حاضر بررسی مرگ اندیشی امام علی(ع) در نهج البلاغه و هم چنین ساخت و طراحی مدل نهایی خواهد بود. نوع پژوهش «استفاده از منابع موجود» و روش گردآوری اطلاعات «روش تحلیل محتوا» در نظر گرفته شده است. پس از بررسی و مطالعه دقیق هفت منبع و فهرس موضوعی نهج البلاغه در مجموع موضوع مرگ ۸۳ مرتبه به تفکیک در ۳۴ خطبه (۵۳ مرتبه، ۲۲۴ فراز)، ۷ نامه (۱۵ مرتبه، ۱۹ فراز) و ۱۵ حکمت شمارش، شناسایی و نهایی شده اند (جدول شماره ۱). اندیشه ورزی امام علی(ع) نسبت به مرگ برگرفته از آموزه های قرآن کریم، رویکردی جامع، روشنگرانه، آینده پژوهی و تحلیل گر بوده است.

جدول شماره ۱) نتایج نهایی پژوهش مرگ اندیشی از زبان امام علی(ع) در نهج البلاغه براساس فراوانی و درصد

شرح	تعداد		فراز		مرتبه	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
خطبه ها	۳۴	۶۱	۲۲۴	۸۶	۵۳	۶۴
نامه ها	۷	۱۲	۱۹	۸	۱۵	۱۸
حکمت ها	۱۵	۲۷	۱۶	۷	۱۵	۱۸
جمع کل	۵۶	۱۰۰	۲۵۹	۱۰۰	۸۳	۱۰۰

یافته های پژوهش در حوزه مرگ اندیشی امام علی(ع) به تفکیک سه بعد سلامت معنوی، درسه بخش اصلی شناختی، عاطفی احساسی و رفتاری کنشی سنخ شناسی شده اند (نمودار شماره ۱):

۱) بعد شناختی مرگ اندیشی:

پژوهش در خصوص بعد شناختی در دو بخش فرعی قابل بررسی است:

الف) چپستی و توصیف مرگ: ۳۴ مورد (۷۰ ویژگی)

انسان و در تیر رس بودن مرگ (۵ مورد)، تیر مرگ (۴ مورد)، قیامت انسان رامیراند (۳ مورد)، انسان در چنگالهای مرگ

است (۳ مورد)، مرگ به منزله قطع کننده و ویران کننده لذتها و خوشی ها (۳ بار)، نزدیکی مرگ و ناگهانی بودن مرگ (هر کدام ۱ بار).

ب) چگونگی مردن: ۷ مورد (۱۳۸ جمله و عبارت)

* مرگ به منزله یکی از مراحل آفرینش و خلقت انسان: ۳ مرتبه (نامه ۳۱ و خطبه ۸۲، دومرتبه)

۲) بعد احساسی/عاطفی مرگ اندیشی:

«تفاوت موعظه و حکمت در اینست که سروکار حکمت با عقل و فکر است و سروکار موعظه با دل و عاطفه، حکمت زبان عقل است و موعظه پیام روح» (مطهری، ۱۳۵۸). حضرت علی(ع) در نامه معروف خود به امام حسن مجتبی (ع) می فرماید: «دلت را با موعظه زنده کن». ابن منظور میگوید: عبره: موعظه است که انسان به واسطه آن پند گیرد و به آن عمل کند (ابن منظور، ۱۴۱۸). فراهیدی معنای موعظه را یادآوری خیر دانسته، به گونه ای که قلب شخص را نرم کند (فراهیدی، ۱۴۱۰). «موعظه ابزاری است که موجب رقت قلب می شود و بر احساس انسان تأثیری می گذارد، نه فقط بر شناخت او. موعظه یک بعد عاطفی دارد که نقطه تأثیر آن است و در حقیقت موعظه به حوزه عقل و فکر محدود نمیشود و بعد احساس و عاطفه را نیز در بر می گیرد» (پسندیده و عسگریان، ۱۳۹۴). چشم، گوش و عقل به منزله

ابزارهای عبرت آموزی بوده وهم چنین مرگ، دنیا و تاریخ اقوام قبل به مثابه منابع و امور عبرت شمرده شده اند(قائمی مقدم، ۱۳۸۰، میرشاه جعفری و محمودی، ۱۳۹۰ و احمدیان و اخوان، ۱۳۹۱).

سنخ شناسی بعد احساسی/عاطفی مرگ اندیشی (تاثیرگذاری موعظه وپندو عبرت گرفتن از گذشتگان برحوزه احساسات و عواطف مربوط به مرگ) عبارتنداز:

الف) اهمیت عبرت آموزی و موعظه بودن مرگ:

*اهمیت عبرت آموزی مرگ:۵مورد: خطبه ۲۰: به تحقیق عبرت ها بر شما آشکار گردید(اتمام حجت) (راز ۳)، خطبه ۸۲(فراز ۲۰ تا ۲۶)، خطبه ۱۴۹(فراز ۷)، خطبه ۱۸۱(فراز ۲۰) و خطبه ۲۱۲ (فرازهای ۳ تا ۱۰).

*اهمیت موعظه بودن مرگ:۵مورد: خطبه ۸۴(فرازهای ۳ تا ۵)، خطبه ۱۱۰(فراز ۲۰)، خطبه ۱۵۶(فراز ۱۵)، مرگ برای موعظه بودن کفایت می کند: خطبه ۲۳۰(فراز ۴)و خطبه ۲۳۲(فراز ۳).

ب)منابع عبرت آموزی(چشم، گوش وقلب): ۵مورد: خطبه های ۲۰، ۸۲(سه مرتبه)و ۲۱۲.

ج)عبرت گرفتن و موعظه بودن گذشتگان: ۱۶مرتبه و ۲۰۹جمله و نکته

*اهمیت خطبه تکاثریه(خطبه ۲۱۲)به مثابه خطبه برجسته(غرر) دربخش بعداحساسی/عاطفی مرگ (دارای ۱۷ فراز و ۸۸جمله).

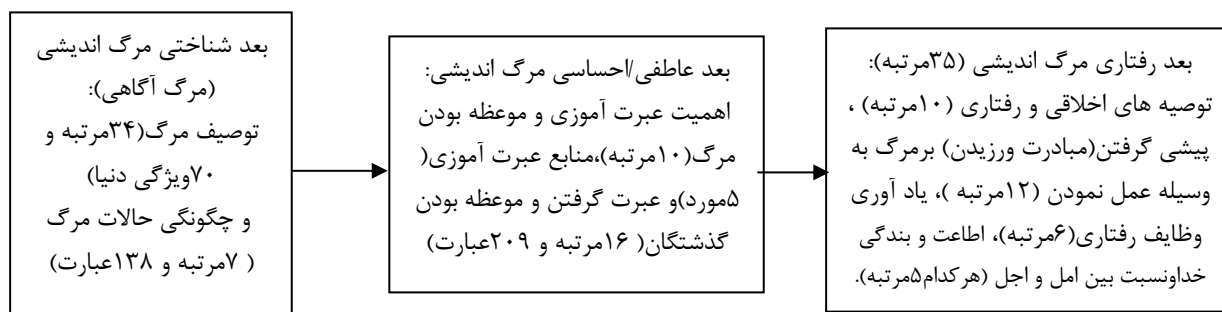
*اهمیت خطبه ۲۱۲ از زبان ابن ابی الحدید:

«سوگند میخورم به آن که همگان به او سوگند میخورند که من از پنجاه سال پیش تا کنون بیش از هزار بار این خطبه را خوانده ام و هیچ بار آن را نخوانده ام مگر آنکه در جان من بیم و خوف و موعظه پدید آمده و در دلم هراس و بر اندامم لرزه افکنده است و هرگز در آن دقت نکردم مگر آنکه مردگان از خویشاوندان و نزدیکانم را فرایاد آوردم و دوستان در گذشته خود را به خاطر آوردم و چنین پنداشتم که من خود همان کسی هستم که علی علیه السلام حال او را در این خطبه توصیف فرموده است.چه بسیار گویندگان واعظان و فصیحان که در این معنی سخن گفته اند و چه بسیار که بر گفته های آنان به طور مکرر آگاهی پیدا کرده و آن را خوانده ام و در هیچ کدام از آنها نظیر این تأثیر را در نفس خود ندیده ام»(مهدوی دامغانی، ۱۳۷۵)

۳)بعدرفتاری مرگ اندیشی:

پژوهش درخصوص بعد رفتاری نسبت به دنیا درعناوین ذیل قابل بررسی است (۳۵مرتبه):

توصیه های اخلاقی و رفتاری درحوزه مرگ(۱۰مرتبه شامل ۲۲ توصیه وهم چنین ضرورت و چرایی آنها)،پیشی گرفتن (مبادرت ورزیدن) برمرگ به وسیله عمل نمودن (۱۲مرتبه وبااستفاده از ۸مضمون مختلف(بادروا....)(تشویق به عمل نمودن)، یادآوری وظایف رفتاری(۶مرتبه، ۱۸ وظیفه)وضرورت و چرایی وظایف(۱۸مورد)،مهیاشدن وآمادگی برای مرگ(۶مورد)،غفلت نورزیدن ازمرگ(۶مورد)، اطاعت و بندگی خدانمودن(۵ مورد)،یادآوری مرگ (۵مرتبه)،غنیمت شمردن فرصت برای عمل نمودن(۵ بار)،نسبت بین امل و اجل(۵ مورد: سنخ شناسی مردم اززاویه نسبت بین اجل و امل، مرگ را نزدیک دانسته بانجام عمل نیکو شتافتند، و آرزو را دروغ پنداشته بسر رسیدن عمر را در نظر گرفتند)،سبکبارشدن برای مرگ(۲بار)،نسبت بین سه مفهوم مهلت، اجل(عمر) و عمل نمودن (دو بار) ، نسبت بین دو مفهوم مهلت و اجل (عمر زمان مهلت وتوشه برداشتن است)(۲ بار)، استعدو الل موت، مجهز شدن برای مرگ (تجهزوا)،برحذربودن ازمرگ(ازمرگ بترسید)،سبقت ورزیدن بر اجل،درزمان انجام گناه به یادمرگ باشیدو همت خودت را معطوف بعدازمرگ کن(هرکدام ۱ بار).



نمودار شماره ۱) نتیجه گیری نهایی پژوهش:

عناصر سه گانه مرگ اندیشی معنویت بنیان از منظر امام علی (ع) در نهج البلاغه به ترتیب توالی و سلسله مراتب آنها

خلاصه «بیانیه نهایی» مرگ اندیشی مبتنی بر «خوف و رجاء» براساس بیانات امام علی(ع) در نهج البلاغه:

«میان هیچکس از شما و بهشت یا دوزخ فاصله ای نیست مگر مرگ که او را در یابد. مرگ را بیاد آورید که لذتها و خوشیها را ویران میکند و عیشها را بهم می زند و آرزوها را قطع می نماید. پس کار کنید (برای سفر آخرت توشه بردارید). به تحقیق مرگ را سختی هایی است که دشوارتر است از آنکه همه آنها بیان شود، یا عقل های مردم دنیا آنها درک کرده بپذیرند و بدان که در جلو تو گردنه بسیار دشواری است و فرودگاه تو در آن راه ناچار بر بهشت است یا بر آتش، پس پیش از رفتن منزلت آماده ساز که بعد از مرگ وسیله خوشنود گرداندن نیست، و کسی بدنی بر نمی گردد. و اگر توانائی دارید که هم خوف و ترستان از خدا بسیار و هم گمان و امیدتان باو نیک باشد بین ترس و امید را جمع کنید. زیرا گمان نیک و امید بنده به پروردگارش بمقدار ترس او است از پروردگارش، و نیک بین ترین مردم بخدا ترسناکترین ایشان است از او»

منابع:

- بهشتی، محمد. (۱۴۰۰). آموزه های تربیتی قرآن، قم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- خراشادی زاده، فاطمه، عباس حیدری، فاطمه حشمتی نبوی، رضا مظلوم و مهدی ابراهیمی. (۱۳۹۴). تحلیل مفهوم سلامت معنوی در آموزه های اسلامی، نشریه پرستاری ایران، دوره ۲۸، شماره ۹۷، دی ماه، صفحات ۴۲-۵۵.
- خوشبخت پیشخانی مریم، محمدی شاهبلای فرحناز، خانکه حمیدرضا، دالوندی اصغر. سلامت معنوی در سالمندان ایرانی: تحلیل مفهوم با رویکرد واکر و آوانت. سالمند: مجله سالمندی ایران. ۱۳۹۸؛ ۱۴ (۱): ۹۶-۱۱۳
- رستمی نسب، عباسعلی. (۱۳۹۶). تعلیم و تربیت در نهج البلاغه، کرمان، انتشارات دانشگاه شهیدباهنر کرمان.
- زکوی، علی اصغر و رحمت اله مرزبند. (۱۳۹۳). مراقبت معنوی و راهکارهای تامین سلامت معنوی بر مبنای آموزه های قرآن و حدیث، نشریه تاریخ پزشکی، شماره ۲۱، زمستان، صفحات ۱۰۳-۱۲۹.
- سالاری فر، محمدرضا، مهدی موسوی اصل، محمدصادق شجاعی و محمددولتخواه. (۱۳۹۴). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، تهران، انتشارات سمت.
- شهیدی، شهریار و مصطفی حمدیه. (۱۳۸۶). اصول و مبانی بهداشت روانی، تهران، انتشارات سمت
- مرادی، محمد. (۱۳۹۴). الگوی مفهومی سرمایه معنوی در پرتو تعالیم قرآن، مجله اسلام و پژوهش های مدیریتی، شماره ۱۱، پاییز و زمستان، صفحات ۴۱-۶۲.
- مرزبند، رحمت الله؛ علی اصغر زکوی. (۱۳۹۱). شاخص های سلامت معنوی از منظر آموزه های وحیانی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال ششم، شماره بیستم، ۶۹-۹۹.
- مشایخی، شهاب الدین. (۱۳۸۰). اصول تربیت از دیدگاه امام علی(ع)، مجله حوزه ودانشگاه، شماره ۲۷، صفحات ۴۹-۶۸.

معارف، مجید و فرزانه اسدی. (۱۳۹۶). عوامل دستیابی به سلامت معنوی از منظر قرآن و حدیث، مجله بصیرت و تربیت اسلامی، دوره ۱۴، شماره ۴۱، تابستان، صفحات ۹-۴۰.

مصلحی، جواد. (۱۳۹۸). سلامت معنوی؛ رویکردی مبتنی بر آموزه های اسلامی، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، سال پنجم، زمستان، شماره ۴، صفحات ۶۵-۹۱.

محمودی، سیروس. (۱۴۰۱). جایگاه سلامت معنوی در کتاب های هدیه های آسمانی دوره ابتدایی. مجله مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۷، شماره ۱، صفحات ۱۵۱-۱۷۱.

میرعرب. فرج اله. (۱۳۹۲). تربیت اعتقادی و معنوی با نگاه قرآنی. قم: نشر بوستان.

صالحی، اکبر و سلمان رضوانخواه. (۱۳۹۶). احصا و بررسی روش های تعمیق سلامت معنوی از دیدگاه امام علی (ع)، پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۵، شماره ۲۰، صفحات ۱-۱۸.

طاهری سرتشنیزی، اسحاق، مریم السادات موسوی. (۱۳۹۱). مرگ آگاهی و معناداری زندگی از منظر نهج البلاغه، مجله انسان پژوهی دینی، سال نهم، شماره ۲۷، بهار و تابستان، صفحات ۱۷۷-۱۹۸.

عباسی، محمود، فریدون عزیزی، احسان شمس گوشتی، محسن ناصری راد و مریم اکبری لاکه. (۱۳۹۱). تعریف مفهومی و عملیاتی سازی سلامت معنوی، یک مطالعه روش شناختی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال ششم، شماره بیستم، ۴۴-۱۱.

عبدالکریمی نطنزی، مرضیه و حبیب الله یوسفی. (۱۴۰۰). مرگ بانشاط؛ نگرشی نو به مسئله اضطراب مرگ با تکیه بر آموزه های اسلامی، پژوهش نامه روان شناسی اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۴، بهار و تابستان، صفحات ۵-۲۶.

علوی، حمیدرضا. (۱۳۹۷). تربیت در قرآن و نهج البلاغه (چاپ دوم)، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.

طاهرخانی، اعظم، سوسن کشاورز، اکبر صالحی و رمضان برخوردار. (۱۳۹۷). بررسی فلسفه مرگ و دلالت های تربیتی آن بر سبک زندگی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، دوره ۲۶، شماره ۳۸ - شماره پیاپی ۳۸، خرداد، صفحات ۱۰۵-۱۴۳.

یوسفی، حبیب الله، مرضیه عبدالکریمی نطنزی و حسین نسایی برزکی. (۱۳۹۸). مبانی سلامت معنوی در قرآن، مجله فیض، دوره ۲۳، شماره ۷، صفحات ۸۱۰-۸۱۶.